



۱۰ عادت و اخلاق پیامبر ﷺ

(عادت ها، اخلاق و رفتارهای پیامبر ﷺ
که برترین ابرمرد تاریخ گردید.)

نویسنده: ابوشاکر مسلم

اللَّهُ أَحْمَدُ

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾

[الأحزاب: ٢١].

چاپ و نشر این کتاب برای هر مسلمان آزاد است

فهرست مطالب

- مقدمه..... ۱۳/
- رسول الله ﷺ چگونه سخن می گفتند؟:..... ۱۶/
- رسول الله ﷺ سخنان کوتاه اما پرمحتوا و پرمعنی می گفت:..... ۱۷/
- رسول الله ﷺ لغت حرف نمی زد:..... ۱۸/
- رسول الله ﷺ جواب دشنام را به دشنام نمی داد:..... ۱۹/
- رسول الله ﷺ چگونه وضوء می گرفتند؟:..... ۲۰/
- رسول الله ﷺ چگونه غسل می کردند؟:..... ۲۰/
- رسول الله ﷺ از جنابت چگونه غسل می گرفت؟:..... ۲۱/
- پیامبر ﷺ چگونه نمازش را ادا می کرد؟:..... ۲۲/
- رسول الله ﷺ مثل پادشان با کسی رفتار نمی کرد:..... ۲۳/
- رسول الله ﷺ دوست نداشت کسی دستش را بیوسد:..... ۲۵/
- رسول الله ﷺ دوست نداشت کسی پیش روی او (به پذیرایی، یا به احترام) بایستد:..... ۲۵/
- رسول الله ﷺ هرکار را از طرف راست انجام می داد:..... ۲۷/
- رسول الله ﷺ هرگز از هیچ نوع غذائی عیب نمی گرفت:..... ۲۸/

- ۲۸/..... عدالت و قاطعیت پیامبر ﷺ در اجرای حق!
- ۲۹/..... رسول الله ﷺ اطفال را می بوسید و با آنان ساعت تیری می کرد.
- ۳۱/..... رسول الله ﷺ همیشه قیلوله می نمود:.....
- ۳۲/..... رسول الله ﷺ هرگاه کسی را می دید؛ در چهره اش می خندید:.....
- ۳۳/..... مجلس رسول الله ﷺ.....
- ۳۵/..... رسول الله ﷺ وقتی که جگر خون و خفه میشد؛ روی او سرخ.....
- ۳۶/..... رسول الله ﷺ حتی کلمه «اف» را برای دوستانش استعمال نمی کرد:.....
- ۳۷/..... رسول الله ﷺ هرگز گدا و سوالگری را از خود نمی راند:.....
- ۳۸/..... هرگز از رسول الله ﷺ چیزی خواسته نشده که (نه) گفته باشد:.....
- کسیکه از رسول الله ﷺ سؤال می کرد؛ برای اینکه سوال او مخفی بماند؛
- دور ترین جای را انتخاب می نمود:.....
- ۳۹/..... هرگاه رسول الله ﷺ می خواست کسی را سرزنش کند؛ فقط می گفت:
- «پیشانی اش خاک آلوده باد»:.....
- ۴۰/..... مزاح رسول الله ﷺ این بود: «ای صاحب دو دست!»، «ای صاحب دو بینی!»، «دستت خاک آلوده باد»، «ای صاحب دو گوش» و غیره....
- ۴۱/.....

- رسول الله ﷺ در مقابل دشمنانش (که خونس را ریختند و دندانانش را شکستند اینگونه بود):/۴۴
- عادت او، هنگام آمدن به مسجد...../۴۶
- رسول الله ﷺ لعن گوی و نفرین گو؛ نبود:/۴۷
- رسول الله ﷺ برای هیچ کسی دعای بد نمی کرد:/۴۹
- رسول الله ﷺ بیشتر از دختران خانه حیاء داشت:/۴۹
- تنها خنده رسول الله ﷺ تبسم بود:/۵۰
- رسول الله ﷺ سخنانش را سه بار تکرار می کرد:/۵۲
- رسول الله ﷺ پی در پی (مسلسل) حرف نمی زد بلکه آهسته، آهسته حرف می زد:/۵۳
- رسول الله ﷺ در کارهای خانه؛ همسرانش را تنها نمی گذاشت:/۵۳
- رسول الله ﷺ انتقام گیر نبود:/۵۵
- در میان صحابه طوری می نشست که انگار هم‌رتبه‌ی آنها هست:/۵۶
- رسول الله ﷺ هنگام بروز اختلاف میان اصحابش، سخت اندوهگین شده، و آنان را نکوهش می کرد:/۵۷
- رسول الله ﷺ بین دو کار؛ آسانترین آنرا انتخاب می نمود:/۵۸

- رسول الله ﷺ بدی را به بدی جواب نمی داد:/۵۹
- رسول الله ﷺ صدایش را در ملاعام بلند نمی کرد:/۵۹
- رسول الله ﷺ هرگز کسی را ملامت نمی کرد:/۶۰
- رسول الله ﷺ فوراً درمقابل گنهکاران عکس العمل نشان نمی داد:/۶۱
- رسول الله ﷺ زود احساساتی نمی شد:/۶۲
- کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می نمود:/۶۴
- هیچ عیادت مریضی و هیچ جنازه ای از رسول الله ﷺ ترک نمی شد:/۶۵
- رسول الله ﷺ هرگاه یکی از اصحابش را نمی دید، احوال او را جویا می شد:/۶۶
- رسول الله ﷺ برای اصحابش آزادی بیان می داد:/۶۷
- رسول الله ﷺ با وصفی که رهبر یک امت بزرگ بود؛ اما لباس خود را می دوخت وگوسفند را می دوشید:/۶۸
- رسول الله ﷺ وقتی که با کسی دست پرسی می کرد؛ تا که آن شخص دست خود را دور نمی کرد ، رسول الله ﷺ دست خود را بر نمی داشت:/۵۴

- پیامبر ﷺ وقتیکه باکسی دست پرسی می کرد؛ تا آنکه شخص دست خود را بر نمی داشت، رسول الله ﷺ دست خود را دور نمی کرد:/۶۹
- رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی دیگری نمی شد (بلکه توجه وی به سوی همنشینش می بود):/۶۹
- رسول الله ﷺ کار امروز را برای فردا نمی گذاشت و نیز چیزی را برای فردای خود ذخیره نمی کرد:/۷۱
- رسول الله ﷺ زیاد حرف نمی زد:/۷۲
- رسول الله ﷺ آرام آرام و جدا جدا حرف می زد:/۷۳
- رسول الله ﷺ یارانش را به غضب و خشم نشدن توصیه می نمود:/۷۳
- مهربانی و دلسوزی پیامبر ﷺ:/۷۵
- رسول الله ﷺ روزانه بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می خواست:/۷۶
- رسول الله ﷺ بخشنده ترین مردم بود:/۷۶
- رسول الله ﷺ عادت گذشت را داشت:/۷۷
- رسول الله ﷺ شخص گنهکار را دعای بد و نابودی نمی کرد:/۷۸
- رسول الله ﷺ در بین جوانان؛ یتیمان را بیشتر دوست داشت:/۷۹

- رسول الله ﷺ طوری حرف می زد که کوچک و بزرگ حرف آن را می دانستند:/۸۰
- رسول الله ﷺ بدون وحی؛ هرگز صحبت نمی کرد:/۸۱
- رسول الله ﷺ سخنان بی هوده نمی گفت:/۸۱
- رسول الله ﷺ بایبوه زنان و مساکین می رفت و کار آنان را انجام...../۸۱
- هرگز رسول الله ﷺ دروغ نمی گفت:/۸۲
- رسول الله ﷺ صدقه را نمی خورد، اما هدیه را پذیرفته و میل می کرد:/۸۳
- رسول الله ﷺ بهترین فرد برای خانواده اش بود:/۸۴
- رسول الله ﷺ اطفال را تخنیک می نمود:/۸۵
- رسول الله ﷺ در مقابل کار نیک دیگران «جزاک الله خیرا» می گفت.../۸۵
- رسول الله ﷺ هرگاه از قومی می ترسید می گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»...../۸۷
- رسول الله ﷺ وقتی که عطسه می زد، دست خود را بر دهانش...../۸۷
- رسول الله ﷺ گاهی سخنرانی می کرد(نه بطور همیشگی):/۸۹
- رسول الله ﷺ روز های دوشنبه و پنج شنبه را روزه می گرفت:/۸۹
- رسول الله ﷺ هنگام سفر یارانش؛ برای آنها دعا می نمود:/۹۰

- رسول الله ﷺ هرگاه از سفر می آمد به مسجد می رفت و دو رکعت نماز ادا می کرد: ۹۱/.....
- رسول الله ﷺ چیزهای شیرین را (مثل عسل) دوست می داشت: ۹۱/.....
- رسول الله ﷺ آب را به سه نفس می نوشید: ۹۲/.....
- رسول الله ﷺ تکیه کنان؛ چیزی نمی خورد: ۹۳/.....
- رسول الله ﷺ بدون حائل روی زمین می نشست و غذا می خورد: ۹۳/.....
- برخی از عادات رسول الله ﷺ هنگام غذا خوردن: ۹۴/.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از کاری در فشار قرار می گرفت و خسته می شد، با نماز خود را راحت می ساخت: ۹۵/.....
- هرگاه کسی نیازی پیدا می کرد، خطبه اش را قطع می نمود: ۹۶/.....
- هرگاه امر خوش آیندی برای رسول الله ﷺ رخ می داد، سجده شکر می کرد: ۹۷/.....
- رسول الله ﷺ دوست داشت که در روزهای پنج شنبه سفر کند: ۹۷/.....
- رسول الله ﷺ درقافله و کاروان؛ درآخرین آن می بود: ۹۸/.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از خواب بیدار می شد؛ درقدم نخست مسواک می کرد: ۹۹/.....

- هرگاه رسول الله ﷺ در شب در سفر می‌بود، و در شب فرود می‌آمد، به پهلوی راستش می‌خوابید:/۱۰۰
- رسول الله ﷺ بهترین معلم بود:/۱۰۰
- رسول الله ﷺ در همه اوقات ذکر می‌نمود:/۱۰۱
- رسول الله ﷺ دارای بهترین اخلاق بود:/۱۰۱
- رسول الله ﷺ میان سیاه و سفید؛ عربی و عجمی؛ بینا و نابینا، تفاوت قائل نبود:/۱۰۳
- رسول الله ﷺ بعد از طعام خوردن؛ انگشتان دست خود را می‌مکید(می‌لیسید):/۱۰۴
- رسول الله ﷺ در نماز های شب بالای خود زیاد فشار می‌آورد:/۱۰۵
- رسول الله ﷺ بر اطفال سلام می‌داد:/۱۰۶
- رسول الله ﷺ گاهی برای دوستان خود می‌گفت: «بخاطر الله دوست تان دارم»:/۱۰۶
- رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح نمی‌خوابید، بلکه با اصحابش در مسجد تا طلوع آفتاب سخن می‌گفت:/۱۰۸
- هرگز رسول الله ﷺ اصحابش را نمی‌گذاشت تا بر مردم سختگیری.../۱۰۹

- هرگز رسول الله ﷺ در سخنان کسی نمی پدید:...../۱۱۰
- بعضی از صفات و عادات نبی ﷺ که امام نووی بیان نموده است:.../۱۱۱
- وچندین عادت دیگر رسول الله ﷺ:...../۱۱۳-۱۱۶
- مصادر و مراجع...../۱۱۷

تقدیر

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه كما يحب ربنا ويرضى، نحمده سبحانه ولا نحصى ثناء عليه، أرسل نبیه محمداً ﷺ بالهدی و دین الحق؛ لیظهره علی الدین کله، اما بعد:

رساله‌ی که در دست دارید، «۱۰۰ عادات و اخلاق پیامبر ﷺ» می باشد. متأسفانه امروز همانانی که دعوی مؤمن بودن را دارند لیکن الگوی خود افرادی چون: گاندی، لینن، مارکس، توماس و... را قرار داده، از سخنان و عادات این کفار و ملحدین دیگر، در مجالس افتخارانه ایراد می کنند، خو و خصلت آنان را شیطان بر ایشان مزین ساخته است. بدین سبب در این رساله خواستم الگوی حقیقی آنها را، و عادات و اخلاق او را بنویسم، تا رفتار خود را مانند این ابر مرد سازند، مردی که سخنانش وحی بوده، و اعمالش مورد پسند الله تعالی قرار گرفته است.

اگر شخصی بخواهد که عادات و اخلاقش مورد پسند رحمان قرار گیرد، پس رفتار و عاداتش را مانند پیامبر ﷺ برابر سازد، و اگر کسی می خواهد عادات و اخلاقش مورد پسند شیطان قرار گرفته و منفور جامعه شود، پس عادات و اخلاق غیر از پیامبر ﷺ را اختیار نماید. یکی از عواملی که اصحاب پیامبر ﷺ به سبب آن کامیابی دنیا و آخرت را از آن خود کردند این بود که عادات و اعمال جاهلیت را کنار گذاشته، و از عادات و اخلاق رسول الله ﷺ تعلیم گرفتند و پیامبر ﷺ را الگوی خود قرار دادند.

در این شکی نیست که مؤمن حقیقی همان است که سراسر زندگی خود را موافقِ گفتار و کردار رسول الله ﷺ عیار سازد.

در این رساله (الحمد لله) برخی از عادات نبی مکرم اسلام (ﷺ) را از احادیث و اقوال صحابه گردآوری نموده، تا یک مسلمان

آنها را در رفتار و گفتار خود تطبیق کرده، و مدال ایمان حقیقی را از آن خود نمایید.

از همه‌ی مؤمنان می‌خواهم که تنها به مطالعه این رساله اکتفا نکنند، بلکه تک‌تک این عادات و اخلاق رهبر شان (ﷺ) را در وجود خود بقبولانند تا ایشان رستگار گردند، و نام شان در تاریخ ثبت گردد.

ولاحول ولاقوة إلا بالله العلي العظيم، وحسبنا الله ونعم الوكيل وما توفيقى إلا بالله عليه توكلت وإليه أنيب.

أبو شاکر مسلم

۱- رسول الله ﷺ چگونه سخن می گفتند؟

امام ابن قیم می گوید: پیامبر ﷺ نیکوترین اخلاق، گواراترین گفتار و شیرین ترین منطق را داشت و به سرعت تمام، کارها را انجام می داد تا جایی که سخنان وی، دلها را می ربود و جانها را شیفته ی خود می ساخت و دشمنانش نیز بر این امر، گواهی می دهند.

هرگاه سخنی بر زبان می آورد آن را به صورتی مفصل و روشن بیان می داشت طوری که نیازی به تکرار نداشت و چنان سریع نبود که حفظ نشود و ناگسسته نبود؛ یعنی کلمات را با فاصله بیان نمی کرد، بلکه سنت وی در سخن گفتن به کامل ترین شکل ممکن بود، چنانکه عایشه (رضی الله عنها) فرموده است:

«رسول الله همانند شما به شرح سخنان نمی پرداخت بلکه سخنانی روشن و فصل الخطاب بر زبان می آورد که حاضران و همراهان نزد وی، آن را حفظ می کردند.»

بسیار اتفاق می افتاد که گفته اش را سه بار تکرار کند تا همه آن را فهم نمایند و هرگاه سلام می داد سه بار سلام می داد، همچنین بسیار سکوت می کرد و بدون نیاز، سخنی بر زبان نمی آورد.

با بلاغت و سخنوری تمام، سخنان را آغاز می‌کرد و پایان می‌داد و سخنانی جامع بر زبان می‌آورد که کم و زیادی نداشت و به تمامی، معانی را منتقل می‌نمود، و نیز در اموری که به وی ربطی نداشت سخنی نمی‌گفت و تنها سخنانی را بر زبان می‌آورد که امید پاداش آن را داشت.

و هرگاه چیزی را خوش نداشت در چهره مبارکش هویدا می‌شد. پیامبر ﷺ نه بد دهن بود، نه نفرین می‌کرد و نه داد و فریاد می‌کشید [زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۷۵].



۲- رسول الله ﷺ سخنان کوتاه، اما پرمحتوا و پرمعنی می‌گفت

پیامبر گرامی مان (ﷺ) حرف های کوتاه و سخنان اندک می‌گفت، اما آن پرمحتوا و پرمعنی می‌بود که برای آن گفته میشود: «جوامع الكلم»، درحقیقت می‌توان گفت حرفی می‌فرمود، که در یک جمله خاتمه پیدا می‌کرد، اما اگر آن به تفصیل بیان شود، نمیتوان آنرا در دها صفحه خلاصه کرد!

وعن أبي هريرة قال: رسول الله ﷺ قال: «بعثت بجوامع الكلم ونصرت بالرعب وبيننا أنا نائم رأيتني أوتيت بمفاتيح خزائن الأرض فوضعت في يدي» [متفق عليه].

یعنی: «ابوهریره می گوید که رسول الله ﷺ فرمود: کلام جامع برایم داده شده است، به رعب افکندن در قلب دشمنان نصرت داده ام و در خواب دیدم که کلیدهای گنجینه های زمین به من داده شده و در دستم نهاده شده».



۳- رسول الله ﷺ لغت حرف نمی زد

رسول الله ﷺ هنگام حرف زدن طوری حرف می زد که همه سخنان او را بدرستی می دانستند، همین که از زبانش خارج می شد به حافظه ها و قلوب جای می گرفت. هرگز لغت حرف نمی زد که طرف مقابل، آنرا درک نکند (به طور عامیانه حرف میزد).

وعن عائشة قالت: «كان كلام رسول الله ﷺ كلاماً فصلاً يفهمه كل من يسمعه» [رواه أبو داود].

یعنی: «ازعائشه روایت شده است که گفت: سخن پیامبر ﷺ سخنی روشن و آشکار بود که هر کس آن را می شنید، می فهمید».

۴- رسول الله ﷺ جواب دشنام را به دشنام نمی داد

رسول الله ﷺ هنگامی که کسی او را دشنام می داد؛ سکوت می نمود و هیچ صحابی را اجازه نمی داد که درمقابل دشنام و توهین اشخاص؛ توهین و دشنام دهند، بلکه معامله آنان را به الله عزوجل واگذار می نمود.

وعن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ: «ألا تعجبون كيف يصرف الله عني شتم قريش ولعنهم؟ يشتمون مذمما ويلعنون مذمما وأنا محمد» [رواه البخاري].
یعنی: «از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: آیا تعجب نمی کنید که الله تعالی چگونه دشنام های مشرکان قریش و لعنت کردن ایشان را از من باز می دارد؛ مذمم را دشنام می دهند و مذمم را لعنت می کنند و من محمد ام».

از عبدالله بن عمرو روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «همانا یکی از بزرگترین گناهان کبیره، این است که شخص، پدر و مادرش را لعنت کند. گفتند: ای رسول الله! چگونه شخص، پدر و مادرش را لعنت می کند؟ فرمود: «شخصی، پدر دیگری را دشنام می دهد و او در پاسخ، به پدر و مادرش، دشنام می دهد» [جامع الاحادیث الصحيح].



۵- رسول الله ﷺ چگونه وضوء می گرفتند؟

از حران، آزادشده ی عثمان بن عفان - رضي الله عنه - روایت است که ایشان، آب خواست و وضو گرفت؛ نخست سه بار از ظرف آب برداشت و بر دستانش ریخت (و تا مچ شست). سپس با دست راستش آب برداشت و مضمضه (آب در دهان) و استنشاق (آب در بینی) کرد و بعد سه بار صورتش را شست. آن گاه دستش را تا آرنج سه بار شست و بعد هم سرش را مسح نمود و آن گاه هر پایش را سه بار شست و سپس فرمود: رسول خدا ﷺ را دیدم که همانند وضویی که الآن گرفتم، وضو گرفتند و فرمودند: (مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وَضُوءِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ) یعنی: «هر کس، مانند این وضوی من، وضو بگیرد و بااخلاص، دو رکعت نماز بگذارد، خداوند متعال، تمام گناهان گذشته اش را می آمرزد.»



۶- رسول الله ﷺ چگونه غسل می کردند؟

«پیامبر ﷺ آنگاه که غسل جنابت می کرد، ابتدا دستهایش را می شست سپس همانگونه که برای نماز خواندن وضو می گرفت، وضو گرفته، و بعد از

آن انگشتانش را در آب فرو برده و با آنها موهایش را خلال می کرد، و به اندازه ی سه کف دست، آب بر روی سرش می ریخت، و سرانجام آب را به تمامی پوست بدنش می رساند.»

همچنین بخاری و مسلم در حدیثی دیگر از ام المؤمنین میمونه رضی الله عنها چگونگی و کیفیت غسل کردن پیامبر ﷺ را چنین نقل می کند.

«رسول الله ﷺ همانگونه که وضو می گرفت، وضو گرفت، جز آنکه پاهایش را نشست، و شرمگاهش را شست و از آنچه که بر آن رسیده بود پاک نمود، سپس آب را به تمام بدن رساند، و سرانجام پاها را کنار کشید و شست. این همان روش غسل از جنابت می باشد.»



۷- رسول الله ﷺ از جنابت چگونه غسل می گرفت؟

در حدیث در این باره از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که: رسول اکرم ﷺ هرگاه می خواست غسل جنابت انجام دهد، نخست دو دست را قبل از اینکه آنها را داخل ظرف آب کند، شسته و سپس شرمگاه را می شست آنگاه مانند وضوی نماز، وضو می گرفت، سپس موها را خلال می

کرد و بعد سه بار آب را بوسیله دست ها بر سر می ریخت و تمام بدن را می شست.



۸- پیامبر ﷺ چگونه نمازش را ادا می کرد؟

- عایشه رضی الله عنها می فرماید: «پیامبر ﷺ بعضی اوقات نماز را به قدری طولانی می کرد که پاهای ورم می کرد. می گفتم: چرا خود را به مشقت می اندازید؟ در حالی که الله شما را معاف کرده است. می فرمود: آیا بنده شکرگزار نباشم؟».
- بسا شبها تا صبح عبادت می کرد. همواره به نماز می ایستاد و می فرمود: «نماز سردی چشم من است».
- با اینکه الله گناهان اول و آخر او را معاف کرده بود، به خاطر سپاسگزاری از این نعمت بیشتر از همه الله را عبادت می کرد. او نه راهب بود و نه بی پروا به عبادت. از احوال اقتصادی مردم جويا می شد آنها را تشویق به عبادت و همچنین به کسب حلال می کرد از تنبل بیکار بیزار بود.



۹- رسول الله ﷺ مثل پادشان با کسی رفتار نمی کرد

لحظه ای با خود فکر کنید که اگر کسی مانند رسول الله ﷺ می بود (برای آن از جانب الله تعالی وحی می آمد، عساکری مانند صحابه می داشتند، در دنیا و آخرت الله تعالی او را می بخشید، و...) چه رفتاری با رعیت خود می داشتند! امروز پادشاهان با اینکه نزد الله تعالی ارزشی ندارند شما می بینید که چگونه با مردم رفتار می کنند، اگر اینها مانند رسول الله ﷺ می بودند چه انجام می دادند؟!.

عن أبي مسعود قال أتى النبي ﷺ رجل. فكلمه. فجعل ترعد فرائصه. فقال له: «هون عليك. فيني لست بملك. إنما أنا ابن امرأة تأكل القديد» [سنن ابن ماجه (۳۳۱۲)].

مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و با ایشان به صحبت پرداخت، [در همین حین، ترس و لرز بر وی غالب گشت] و شانهایش به زعشه افتاد، پیامبر ﷺ به او فرمود: «آرام باش! من پادشاه نیستم. من فرزند زنی هستم که قدید (گوشت نمک سود خشک کرده) می خورد».



۱۰- رسول الله ﷺ دوست نداشت کسی دستش را ببوسد

متأسفانه امروز به سبب دست بوسی، خیلی از علماء به مرض کبر مبتلا شده اند، و اگر دستان آنان بوسیده نشود، ممکن با تو درست حرف نزنند، و دست بوسی را احترام می پندارند.

اما پیامبر عزیزمان (ﷺ) آن رهبر معظم، بنده‌ی محبوب الله تعالی تشریفاتی نبود، و دوست نداشت که دستش را ببوسد و یا بیش از حد احترامش را کنند.

در روایتی آمده است ابوهریره رضی الله عنه نقل می کند که: «با رسول الله ﷺ به بازار رفتیم تا شلواری بخرد، فروشنده خواست دستان پیامبر را ببوسد ولی پیامبر دستش را عقب کشید و او را از کارش منع کرد و فرمود: «این کار را عجم‌ها در مقابل پادشاهانشان انجام می دهند، من پادشاه نیستم، من مردی از میان شما هستم» شلوار را برداشت. من خواستم آن را برای پیامبر بردارم ولی اجازه نداد و فرمود: برای حمل هر چیزی صاحبش سزاوار تر است».



۱۱- رسول الله ﷺ دوست نداشت کسی پیش روی او (به پذیرایی، یا به احترام) بایستد

بله عزیزانم، صحابه نسبت به همگی ما، قدر و منزلت رسول الله ﷺ را می دانستند، حاضر بودند تمام داشته های مالی و جانی خود را در راهش فدا نمایند، لیکن از صحابه ثابت نشده است که پیش روی رسول الله ﷺ بایستند آن طوری که ما پیش روی دیگران می استیم.

در حدیث صحیح آمده است که: «يقول أنس رضي الله عنه: لم يكن احد أحب إلينا من رسول الله ﷺ وكانوا لا يقومون اذا دخل عليهم لما يعلمون من كراهته لذلك» [صحیح ترمذی (۲۷۵۴)].

یعنی: «انس رضی الله عنه می گوید: صحابه هیچ کس را به اندازه رسول الله ﷺ دوست نداشتند. اما هنگامی که ملاقاتش می کردند از جای بر نمی خاستند چرا که می دانستند ایشان این کار را دوست ندارد».

وعن معاوية قال قال رسول الله ﷺ: «من سره أن يتمثل له الرجال قياماً فليتبوأ مقعده من النار» [رواه الترمذی وأبو داود].

یعنی: «رسول الله ﷺ فرمود: هر کس که دوست داشته باشد دیگران در مقابلش بلند شوند و سر پا بایستند پس جایگاه خودش را در آتش آماده ساخته است».

و در کنز العمال آمده است؛ عن أنس قال: ما كان في الدنيا شخص أحب إليهم رؤية من رسول الله ﷺ وكانوا إذا رأوه لم يقوموا إليه لما رأوا من كراهته لذلك (ابن جرير) [کنز العمال ۱۸۶۵۰].

یعنی: «آنس میفرماید: در دنیا دیدن هیچ شخص را به اندازه رسول الله ﷺ دوست نداشتیم، اما زمانیکه او را می دیدم پیش رویش ایستاده نمی شدم زیرا میدانستیم پیامبر ایستادن را بد میدانست».

وعن أنس قال: « قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ، الرَّجُلُ مِنَّا يَلْقَى أَخَاهُ أَوْ صَدِيقَهُ أَيَنْحَنِي لَهُ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : أَفِيَلْتَزِمُهُ وَيُقَبِّلُهُ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : أَفَيَأْخُذُ يَدَيْهِ وَيُصَافِحُهُ؟ قَالَ : نَعَمْ » [ترمذی (۲۷۲۸)].

یعنی: «از انس رضی الله عنه روایت شده است که مردی گفت: ای رسول الله ﷺ! هرگاه مردی از ما برادر یا دوستش را ملاقات نمود آیا برای او خم شود؟ فرمود: خیر، آن مرد گفت: آیا دست در گردن او اندازد و وی را و

ببوسد؟ فرمود: خیر، مرد پرسید: آیا دستش را بگیرد و با او مصافحه کند؟ فرمودند: آری.»



۱۲- رسول الله ﷺ هر کار را از طرف راست انجام می داد

رسول الله ﷺ تمامی کار های نیک را (به جز رفتن به بیت الخلاء) همراهی دست راست خود انجام می داد خواه هرکاری که می بود (=چه لباس پوشیدن، چه دست پرسی، چه نشستن و چه هرچیز دیگری).

وعن عائشة قالت: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ: فِي طُهُورِهِ، وَرَجُلِهِ، وَتَنَعُلِهِ» [متفق عليه].

یعنی: «از عائشه روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ شروع و انجام از راست و جلو انداختن آن را در تمام کارهایش در غسل و وضو و شانه کردن موی سر و پوشیدن کفش خویش، دوست می داشت.»



۱۳- رسول الله ﷺ هرگز از هیچ نوع غذایی عیب نمی گرفت

رسول الله ﷺ همانند برخی از ما نبود که از طعام ها و نوشیدنی ها عیب بگیرد که این طعام شور است یا شیرین و یا هم تلخ! اگر اشتهايش می بود می خورد ورنه آنرا بدون اینکه از آن عیب گیرد ترک می کرد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «مَا عَابَ النَّبِيُّ ﷺ طَعَامًا قَطُّ، إِنْ اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ وَإِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ» [بخاری (۵۴۰۹)].

یعنی: «ابوهریره می گوید: هرگز نبی اکرم ﷺ از غذایی، ایراد نگرفت. اگر مورد علاقه اش بود، می خورد وگرنه، آنرا ترک می کرد».



عدالت و قاطعیت پیامبر ﷺ در اجرای حق!

پیامبر ﷺ در برابر حق، دوست و خویشاوند را نمی شناخت، و همه پیش او یکسان بودند و همه در برابر الله و شریعت مسئول اعمال خود بودند.

زنی از قبیله بنی مخزوم که قومی صاحب نسب بودند مرتکب دزدی شد، خبر به پیامبر ﷺ رسید و آن زن اعتراف کرد؛ نزدیکانش ترسیدند از اینکه پیامبر ﷺ او را مجازات کند و رسوا شوند. پیش اسامه پسر زید رفتند - مشهور بود که

پیامبر ﷺ اسامه و پدرش را بسیار دوست دارد - به او گفتند نزد پیامبر برای آن زن شفاعت کند. اسامه در این مورد با پیامبر صحبت کرد، پیامبر ﷺ سخت ناراحت شد و فرمود: آیا برای اجرا نشدن حدی از حدود الله شفاعت می‌کنی؟ سپس مردم را جمع کرد و برای آنها خطبه‌ای ایراد نمود و فرمود: ای مردم، پیش از شما کسانی هلاک شدند به سبب اینکه اگر فرد مشهور و بزرگی از آنان دزدی می‌کرد او را رها می‌کردند و اگر ناتوان و ضعیفی مرتکب دزدی می‌شد؛ او را مجازات می‌کردند. قسم به خدا اگر دخترم (فاطمه) دزدی کرده بود دستش را قطع می‌کردم [مشکاة المصابیح].



۱۴- رسول الله ﷺ اطفال را می‌بوسید، و با آن ساعت

تیری می‌کرد

رسول الله ﷺ محبت خاصی با اطفال داشت، آنان را می‌بوسید و بالای زانوی خود آنها را می‌گرفت. و کسی را که محبت با اطفال نمی‌داشت، آنرا توصیه می‌نمود.

و عن أبي هريرة قال: «قَبِلَ النَّبِيُّ ﷺ الْحَسَنَ ابنِ عَلِيٍّ، وَعِنْدَهُ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ، فَقَالَ الْأَقْرَعُ: إِنَّ لِي عَشْرَةً مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «مَنْ لَا يُرْحَمُ لَا يُرْحَمُ» [متفق عليه].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ حسن بن علی را بوسید، «اقرع بن حابس» که در خدمت او بود، گفت: من ده فرزند دارم که هرگز هیچ کدام از آنها را نبوسیده‌ام، پیامبر ﷺ به او نگاه کردند و فرمودند: «هر کس رحم نکند، به او رحم نمی‌شود».

جابر بن عبد الله می‌گوید: «یک بار خدمت پیامبر ﷺ رفتم، دیدم که حسن و حسین بر پشتش سوار شده بودند و پیامبر ﷺ با چهار دست و پا راه می‌رفتند و می‌فرمودند: شتر شما چه شتر خوبی است!».

عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ: «يُصَلِّي وَهُوَ حَامِلٌ أُمَامَةَ بِنْتِ زَيْنَبَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأَبِي الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ , فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا، وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا» [متفق عليه].

یعنی: «ابو قتاده انصاری رضی الله عنه می‌فرماید: رسول الله ﷺ در حالی نماز می‌خواند که امامه دختر زینب دختر رسول الله ﷺ که پدرش ابو العاص بن ربیع بن عبد شمس است در آغوش داشت، هرگاه که به سجده می‌

رفت او را بر زمین می گذاشت، و هر گاه از سجده برای قیام بلند می شد او را نیز بلند می کرد».



۱۵- رسول الله ﷺ همیشه قیلوله می نمود

رسول الله ﷺ در تمامی عمر خویش (به جز روز جمعه) قیلوله می نمود و حتی اگر در سفر نیز می بود، پس قیلوله خود را انجام می داد، و اگر گاهی در روز قیلوله آن ترک می شد، پس در مدت زمان معین همان روز، در عوض آن قیلوله می نمود.

تعریف قیلوله؛ یعنی: چند لحظه ای خوابیدن قبل از نماز پیشین.

وعن أم سليم أن النبي ﷺ كان يأتيها فيقبل عندها فتبسط نطعا فيقبل عليه وكان كثير العرق فكانت تجمع عرقه فتجعله في الطيب. فقال النبي ﷺ: «يا أم سليم ما هذا؟» قالت: عرقك نجعله في طيبنا وهو من أطيب الطيب» [متفق عليه].

یعنی: «ام سلیم رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ نزد آنها می رفت و قیلوله (در وقت چاشت استراحت) می کرد، ام سلیم برایش بساطی از چرم را می گسترانید و رسول الله ﷺ بر آن می خوابید و پیامبر ﷺ بسیار عرق می کرد

وام سلیم عرق های رسول الله ﷺ جمع میکرد و آنرا در طیب و خوشبوئی می آمیخت (روزی رسول الله ﷺ او را بر جمع کردن عرق دید) و فرمود: ای ام سلیم! این چیست؟ و آنرا چی میکنی؟ ام سلیم گفت: این عرق توست آنرا در خوشبوئی های خود خلط می کنیم و عرق تو از بهترین خوشبوئی هاست. و نیز رسول الله ﷺ میفرماید: «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَا تَقِيلُ» [السلسلة الصحيحة ۱۶۴۷].

یعنی: «قبل از فرا رسیدن نصف نهار خواب قیلوله کنید (چون) شیطان قیلوله نمی کند».



۱۶- رسول الله ﷺ هرگاه کسی را می دید؛ در چهره اش می خندید

«ایشان همیشه تبسم شیرینی بر لب داشتند» خوش رویی و بر خورد شیرین شان، حتی دشمنان را شیفته شان می ساخت.».

این عادت زیبای امام اعظم محمد رسول الله ﷺ است، او یکی از صدقه هایی که (فشار مالی در آن بالای انسان نیست) خنیدن در روی برادر

مسلمانان را امر فرموده، طوری که هر شخص مسلمان طرف شخص مسلمان دیگری ببیند، قلب، روح و روان او تازه گردد.

عن قیس قال سمعته یقول قال جریر بن عبد الله رضی الله عنه: «ما حجبتني رسول الله ﷺ منذ أسلمت ولا رأني إلا ضحك» [متفق علیه].

یعنی: «جریر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: پیامبر ﷺ مرا نمی دید مگر آنکه در چهره‌ی من لبخند می زد».

امام ذهبی رحمه الله درباره‌ی این حدیث می گوید: «این اخلاق اسلام است؛ زیرا بالاترین مقامات، مقام و منزلت کسی است که شب را گریان و روز را خندان باشد» [سیر أعلام النبلاء ۱ / ۱۴۱].



۱۷- مجلس پیامبر ﷺ

«در مجلس پیامبر صلی الله علیه وسلم آوازه‌ها بالا نمی گرفت و تقوا اهل مجلس را و می داشت که با هم مهربان باشند، بزرگ سالان مورد احترام و خرد سالان مورد شفقت و نوازش قرار می گرفتند. حاجت مند را جلو انداخته، او را بر خود ترجیح می دادند و با اشخاص غریب ابراز آفت و انس می کردند» و چنین در تربیت گاه آن معلم والا مقام تعلیم دیده شده بودند».

رسول الله ﷺ در باره خود سه چیز را ترک گفته بودند:

۱. خود نمایی.

۲. پر حرفی.

۳. پر داختن به امور بی ارزش.

و در برابر مردم نیز از سه چیز خود داری می ورزیدند:

أ . بدگویی کسی را نمی کردند؛

ب . هیچ کس را برسر ننگ نمی آوردند.

ج . واز کسی عیب جوئی نمی کردند.

زبان جز به آن چه امید پاداش آن نمی رفت، نمی گشودند و چون سخن می گفتند هم نشینان سرها شان را به زیر می انداختند، توگویی پرنده بر سرشان نشسته باشد و چون سکوت می کردند، ایشان لب به سخن می گشودند؛ در حضور شان منازعه صورت نمی گرفت.

و در میان حرف یک دیگر نمی تاختند و این گونه از جناب ایشان ادب آموخته بودند.

«از خنده یاران ایشان نیز می خندیدند و از تعجب ایشان، اظهار تعجب می کردند» و این گونه در همه ای امور با ایشان مشارکت نموده و خود را جدا

از ایشان وبی پروا از امور ایشان نمی دانستند «درشت حرفی بعضی افراد تازه وارد و تهاذیب نیافته را تحمل می کردند» و از آن بر افروخته نمی شدند و اقدام به انتقام نمی کردند.

«اطرافیان را توصیه می کردند تا حاجت حاجت مندان را به ایشان برسانند» و ایشان را در ادای رسالت و عمل به احساس انسان دوستی شان کمک کنند.



۱۸- رسول الله ﷺ و قتیکه جگر خون و خفه می شد؛ روی او سرخ می گردید

رسول الله ﷺ در غیر از خفگی و جگر خونی؛ چهره اش می درخشید گویا روی او مثل مهتاب چهارده است. لیکن هنگام خفه بودن رنگ و چهره او متغیر می گردید و چنان روی او سرخ می گردید که گویا در روی او کسی آب انار را پاش داده است.

وعن أبي هريرة قال: «خرج علينا رسول الله ﷺ ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمر وجهه حتى كأنما فقي في وجنتيه الرمان» [مشكاة المصابيح ۹۸].

یعنی: «از ابوهریره روایت است که می فرماید: «در حالی که ما، در موضوع قدر بحث و گفتگو می کردیم. بر ما وارد شد رسول الله ﷺ خشمگین شد، تا جایی که چهره وی برافروخت و سرخ گردید چنانکه گویی آب اناری در چهره اش پاشیده باشند».

عن جابر بن عبدالله قال: «كان رسول الله ﷺ إذا خطب احمرت عيناه و علا صوته و اشتد غضبه كانه منذر جيش يقول صباحكم و مساكم» [الإرواء ۶۱۱].

یعنی: «پیامبر ﷺ وقتی خطبه می خواند چشمانش سرخ و صدایش بلند می شد و عصبانیتش شدت پیدا می کرد انگار از آمدن لشکری هشدار میدهد و میگوید: دشمن صبح و شام به شما حمله میکند».

۱۹- رسول الله ﷺ حتی کلمه «اف» را برای دوستانش استعمال نمی کرد

هرکسی که حرف های رسول الله ﷺ را انجام می داد و یا نمی داد (منظور انجام کار های دنیوی است) درمقابلش حتی کلمه «اف» را استعمال نمی کرد چه خاصا که با وی بجنگد یا او را دشنام و یا توهین نماید!

وعن انس قال: « مَا مَسِسْتُ دِيْبَاجًا وَلَا حَرِيرًا أَلَيْنَ مِنْ كَفِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَلَا سَمَمْتُ رَائِحَةً قَطُّ أَطْيَبَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَلَقَدْ خَدَمْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ سِنِينَ، فَمَا قَالَ لِي قَطُّ: أَفٌ، وَلَا قَالَ لِشَيْءٍ فَعَلْتُهُ؟ لَمْ فَعَلْتُهُ؟ وَلَا لِشَيْءٍ لَمْ أَفْعَلْهُ: أَلَا فَعَلْتُ كَذَا؟» [متفق عليه].

یعنی: «از انس روایت شده که گفت: هیچ ابریشم نازک و درشت را احساس نکردم، که از کف دست رسول الله ﷺ نرمتر باشد، و هیچ بوئی را هرگز استشمام نکردم که از بوی رسول الله ﷺ بهتر باشد. همانا ده سال خدمت پیامبر ﷺ را نمودم و هرگز برایم نه «اف» گفت و نه هم برای کاری که انجام دادم، به من نگفت: چرا اینکار را انجام دادی؟ و برای کاری که انجام ندادم به من نگفت که چرا چنین نکردی؟».

۲۰- رسول الله ﷺ هرگز کدا و سوالگری را از خود نمی‌راند

درست است که گدائی و سوالگری در شریعت تحریم شده است. لیکن از عادت رسول الله ﷺ این بود که هرگز با گدا معامله ای نمی‌کرد که او خجالت زده شود.

وعن أنس قال: «كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ بَجْرَانِيٍّ غَلِيظٌ الْحَاشِيَّةِ، فَأَدْرَكُهُ أَعْرَابِيٌّ، فَجَبَذَهُ بِرِدَائِهِ جَبَذَةً شَدِيدَةً، فَنَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ ﷺ، وَقَدْ أَثَرَتْ بِهَا حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبَذَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ. فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ، فَضَحِكَ، ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ» [متفقٌ عليه].

یعنی: «از انس روایت شده که گفتم: من همراه رسول الله ﷺ می‌رفتم در حالیکه بردی بجرانی دارای کناره‌های غلیظ و سخت بر شانه ای مبارک بود، سپس اعرابی به وی رسیده و ردای شان را گرفته بسختی کشید. من به کناره ای شانه ای پیامبر ﷺ نگریسته دیدم که کناره ای برد از بسکه به سختی کشیده شده بود بر آن اثر گذاشته بود. باز گفتم: ای محمد! امر کن برام از مال الله که نزد تو است. رسول الله ﷺ به وی نگریسته تبسم نمود و باز امر کرد که به وی چیزی داده شود».



۲۱- هرگز از رسول الله ﷺ چیزی خواسته نشده که (نه) گفته باشد

هرگاه چیزی نزد رسول الله ﷺ می بود و شخصی (چه یهودی یا مسلمان) آنرا طلب می کرد؛ فوراً آنرا برایش تقدیم می نمود و از دادن آن ابا نمی ورزید، و اگر احیاناً چیزی هم نمی داشت و کسی طلب می کرد، پس از او وقت می گرد و آنرا برایش پیدا می کرد و سپس برای آن اعطا می نمود.

وعن جابر قال: «ما سُئِلَ رسول الله ﷺ شَيْئاً قَطُّ فقال: لا» [متفقٌ عليه].

یعنی: «جابر گفت: هرگز از رسول الله ﷺ چیزی نخواستند که نه گفته باشد».



۲۲- کسیکه از رسول الله ﷺ سوال می کرد؛ برای اینکه سوال او مخفی بماند؛ دور ترین جای را انتخاب می نمود

رسول الله ﷺ هنگام پرسیدن سوال؛ اگر می دانست که این سوال (شخصی) است و مخفی کردن آن از دیگران سبب حفظ حرمت این شخص می گردد؛

پس آنرا مخفی می گذاشت، وعلنی نمی ساخت تا آبرو و عزت سائل لکه دار شود.

وعن انس: «أن امرأة كانت في عقلها شيء فقالت: يا رسول الله إني لي إليك حاجة فقال: " يا أم فلان انظري أي السكك شئت حتى أقضي لك حاجتك " فحلا معها في بعض الطرق حتى فرغت من حاجتها. [رواه مسلم].

یعنی: «یک زن که در عقل وی خللی بود گفت یا رسول الله ﷺ باتو کار پوشیده دارم، رسول الله ﷺ به وی گفت: ای مادر فلان! به هر کوچه ای که میخواهی با تو میروم تا مشکل ترا رفع گردانم، پس رسول الله ﷺ با وی در یکی از راه ها تنها شد تا آنکه آن زن همه ای مشکلات خود را عرض نمود و به رسول الله ﷺ بیان نمود.»



۲۳- هرگاه رسول الله ﷺ می خواست کسی را سرزنش کند؛ فقط می گفت: (پیشانی اش خاک آلوده باد)

در هر زمانه ای گنهکارانی وجود دارند و عده ای گناه زیاد وعده گناه اندکی انجام می دهند و در جامعه ای ما هرکس با گنهکاری مواجه شود او را چنان

سرزنش میکنند که از ایمان و اسلام دست بر میدارد. ولیکن در عصر رسول الله ﷺ هنگامیکه کدام شخص گنهکاری را و یا شخصی را که می خواست سرزنش کند؛ فقط می گفت: دست و یا روی او خاک آلوده باد.

وعن أنس قال: «لم يكن رسول الله ﷺ فاحشا ولا لعانا ولا سبابا كان يقول عند المعتبة: " ما له ترب جبينه ؟ » [رواه البخاري].

یعنی: «نبود رسول الله ﷺ، لعنت کننده، فحاش و دشنام دهنده و هنگامی که کسی را می خواست عتاب و سرزنش کند میفرمود: «بر او چه شده است، پیشانی او خاک آلوده باد».



۲۴- مزاح رسول الله ﷺ این بود: «ای صاحب دو دست!»، «ای صاحب دو بینی!»، «دستت خاک آلوده باد»، «ای صاحب دو گوش، و غیره...»

رسول الله ﷺ و یارانش هم شوخی کرده اند در میان خود و دیگران و حتی با کودکان نیز شوخی نموده اند. چون گاهی وقت ها شاد بودن و خندیدن برای روحیه هر شخصی لازم است. (البته پیامبر ﷺ هیچگاه با صدای بلند نمی خندید فقط تبسم و لبخند داشت).

اما خندیدن و شوخی هایی که گناه و حرام نباشد و انسان را از یاد الله عزوجل غافل نکند و سبب مسخره کسی نشود جائز است.

و تفاوت مزاح ما با مزاح رسول الله ﷺ اینست که مزاح او سبب تخریب هویت و تمسخر انسانها نمی شد ولیکن مزاح ما عبارت است از عیب گرفتن و تمسخر افراد و زیر سوال بردن هویت است.

صحابه دوست داشتند که نبی ﷺ همراهی آنان مزاح نماید، چون رسول الله ﷺ در مزاح چهره ای اشخاص را تخریب نمی کرد، لیکن امروز هیچ کسی دوست ندارد که ما مزاح نماییم، چون از ما تخریب و عیب گیری است نه مزاح.

نمونه ای از مزاح های پیامبر ﷺ :

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لِيُخَالَطُنَا حَتَّى يَقُولَ لِأَخِي صَغِيرٍ: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ! مَا فَعَلَ النُّعَيْرُ؟» [بخاری: ۶۱۲۹].

یعنی: «انس بن مالک می گوید: نبی اکرم ﷺ به اندازه ای با ما نشست و برخاست داشت که (شوخی می کرد) و به برادر کوچکم می فرمود: «ای ابوعمیر! حال نُعَیر چطور است؟» (نُعَیر، پرنده کوچکی بود که ابوعمیر با آن بازی می کرد و بعداً آن مرد)».

وعن أنس قال: أن النبي ﷺ قال له: «يا ذا الأذنين» [رواه أبو داود والترمذي].

یعنی: «انس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ برای وی گفت: «ای صاحب دوگوش!»».

و نیز روایت شده است که؛ پیرزنی انصاری خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید و گفت؛ ای رسول الله! دعا کن که الله مرا بیمارزد و بهشت نصیب کند. پیامبر ﷺ فرمود: آیا نمدانی پیرزن وارد بهشت نمیشود؟ پیرزن گریست. پیامبر ﷺ تبسم کرد و فرمود: تو آن روز پیرزن خواهی بود آیا این آیه را نخوانده ای که الله میفرماید: «ما حوریان را بگونه ای خاص آفریدم آنان را دوشیزگانی ساخته ام که شیفته همسران خود هستند و با آنان هم سن و سال اند» [ترمذی و سلسله صحیحہ ۲۹۸۷].

یکی از یاران پیامبر ﷺ بنام نعیمان که بسیار خوش سخن و بذله گو بود و با پیامبر نیز شوخی می کرد از جمله... هرگاه چیز کمیابی به مدینه وارد می شد آن را می خرید و برای پیامبر می برد و می گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم، این را به شما هدیه میکنم، وقتی صاحب مال برای گرفتن بهای آن می آمد، نعیمان او را نزد پیامبر می برد و می گفت؛ ای رسول الله! پول

جنس این مرد را پرداخت کن، پیامبر می فرمود: مگر تو آن را هدیه به من ندادی؟! نعیمان می گفت: ای رسول الله! به الله قسم پول آن را نداشتم اما دوست داشتم که شما از آن میل کنید، پیامبر نیز می خندید و پول شخص را پرداخت میکرد [آورده ابن عبدالبر].

و همچنان رسول الله ﷺ خریاق را ذوالیدین نام گذاری کرد، این بدان خاطر که دستان او دراز بود [التحریر والتنوير].

زمانیکه حذیفه رضی الله عنه به خواب رفت و دیر تر خوابید، برایش گفت: «برخیز ای خواب آلو» [صحیح مسلم].



۲۵- رسول الله ﷺ در مقابل دشمنانش (که خونش را ریختند و دندانش را شکستند اینگونه بود)

ظلم و جوری که دشمنان رسول الله ﷺ علیه او انجام دادند در تاریخ نمونه ندارد. پیامبر ﷺ آنان را به پرستش الله یگانه و به پاکی و نماز امر می کند، اما آنان خس شتر را بالای او می اندازند تا اینکه فاطمه آنرا از او دور می کند.

از طائف بگذریم چون قلم ام نمی تواند آن لحظه را دوباره بنویسد. در جنگ احد دندان های رباعی رسول الله ﷺ را مشرکین شکستاندند، و سرش را زخمی کردند، اما با آنهم ایشان را به سوی عبادت الله فرا می خواند. با اینکه از سرزمینش اخراجش کردند و در طائف او را خون آلود نمودند، اقاریش را کشتند، اصحابش را زندانی کردند، اما با آنهم دوست نداشت که خون آنان را بریزد.

عائشه رضي الله عنهما مي گوید: «عرض کردم: اي رسول الله! آیا روزي سخت تر از روز أحد بر تو گذشته است؟ فرمود:

يعني: اي عايشه! آزار و شکنجه ي زيادي از قوم تو به من رسیده که سخت ترين آنها روز عقبه (جايي در ميني) بود. روزي که نزد ابن عبد ياليل بن عبد کلال رفتم و در خواست پناهندگي کردم، ولي به خواسته ام پاسخ مثبت نداد. غمگين و پريشان به راهم ادامه دادم، و زماني متوجه شدم که در «قرن ثعالب» رسيدم. سر بلند کردم. ابري ديدم که بر من سايه افکنده است. نگاه کردم جبرئيل را در آن ديدم. جبرئيل مرا صدا کرد و گفت: الله پاسخ قوم تو را شنيد، و اکنون فرشته ي کوه ها را فرستاده است تا هرطور مي خواهي در مورد آن قوم درخواست عذاب و انتقام از الله کنی. سپس فرشته

ی کوه ها مرا صدا کرد و به من سلام گفت، سپس اظهار داشت: ای محمد! الله پاسخ قوم تو را شنید و من فرشته ی کوه ها هستم. الله مرا فرستاده تا اگر بخواهی این دو کوه مکه را بر سرشان فرو ریزم. رسول الله ﷺ فرمود: خواهان نابودی آنان نیستم، بلکه امیدوارم الله از پشت آنان فرزندان بدنی آورد که بدون شریک قرار دادن برای الله تنها او را عبادت کنند» [صحیح مسلم].



۲۶- عادت او هنگام آمدن به مسجد

گاهی اوقات اتفاق می افتاد که لحظاتی قبل از اینکه رسول ﷺ از حجره ی خویش به سوی مسجد تشریف بیاورد، مردم از جای بر می خاستند و برای برگزاری نماز، منتظر می ایستادند، پیامبر ﷺ آنان را از این عمل نهی کرد و فرمود:

«تا وقتی که به مسجد نیامده ام و مرا ندیدید که از منزل به سوی شما بیرون می آیم، از جای خود برای برگزاری نماز برنخیزید.»
و علت این نهی می تواند دو چیز باشد:

یکی اینکه: پیامبر ﷺ از فرط حیاء و شرم و تواضع و فروتنی نمی خواست که بندگان خدا در جلوی ایشان همانند بیگانگان و گردنکشان صف بسته، در انتظار ایشان بایستند.

و دوم اینکه: ممکن بود ایستادن و منتظرماندن، باعث چالش و دغدغه و اذیت و آزار، برای مردم شود، چرا که برخی اوقات ممکن بود به دلایلی آنحضرت ﷺ تأخیر کند و یا کاری برایشان، پیش آید و ایستادن و منتظرماندن مردم، باعث اذیت و آزار آنها شود، و چون رسول الله ﷺ از سختگیری و عُسر و حرج متنفّر بود و به آسان گیری و سهولت و رفع عُسر و حرج تمایل داشت، از این جهت، دوست نداشت که مردم در چالش و دغدغه قرار گیرند و موجبات آزار و اذیت آنها فراهم شود، از این جهت، آنها را از این کار منع فرمود.



۲۷- رسول الله ﷺ لعن کوی و نفرین کوی؛ نبود

یکی از عادت های رسول الله ﷺ این بود که لعنت و نفرین، حتی بر دشمنانش نمی فرستاد چه خاصا که بر یک فرد مؤمن لعنت بفرستد، و قبل از اینکه برای دشمنانش دعای لعنت نماید، برای آنها دعای هدایت می نمود.

وعن أنس قال: «لم يكن رسول الله ﷺ فاحشا ولا لعانا ولا سبابا كان يقول عند المعتبة: " ما له ترب جبينه؟ » [رواه البخاري].

یعنی: «نبود رسول الله ﷺ، لعنت کننده، فحاش و دشنام دهنده و هنگامی که کسی را می خواست عتاب و سرزنش کند میفرمود: «بر او چه شده است پیشانی او خاک آلوده باد».

و نیز روایت شده است که: قال النبي ﷺ «كَيْسَ الْمُؤْمِنِ بِالطَّعَانِ، وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ، وَلَا الْبَذِيَّ» [روایت ترمذی].

یعنی: «رسول الله ﷺ میفرماید: مؤمن بسیار طعنه زننده و لعنتگر و بدگفتار و بدکردار نیست».

وعن أبي هريرة أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِصِدِّيقٍ أَنْ يَكُونَ لَعَانًا» [رواه مسلم].

یعنی: «از ابوهریره روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: برای هیچ صدیقی نمی‌زید که زیاده لعنت فرستد».



۲۸- رسول الله ﷺ برای هیچ کسی دعای بد نمی کرد

رسول الله ﷺ برای همگی دعای هدایت می نمود و تا زمانیکه شخصی علیه دین و آبرو و عزت مسلمان تعرض نمی کرد، بر آنها دعای هلاکت نمی نمود. وعن أبي هريرة قال: قيل: يا رسول الله ادع على المشركين. قال: «إني لم أبعث لعانا وإنما بعثت رحمة» [رواه مسلم].

یعنی: «ابوهریره می گوید که برای رسول الله ﷺ گفته شد یا رسول الله ﷺ به مشرکین دعایی بد کن، رسول الله ﷺ فرمود: من جهت لعنت کردن مبعوث نگردیده ام، بلکه هرآنینه من سبب رحمت (برجهانیان) فرستاده شده ام».



۲۹- رسول الله ﷺ بیشتر از دختران خانه حیاء داشت

حیاء لازمه ای ایمان است که باید هر شخص مسلمان آنرا داشته باشد ولیکن حیاء رسول الله ﷺ بیشتر از همه بود طوریکه حیایی او بیشتر از حیاء دختران (هنگامیکه از آنها پرسیده شود آیا شوهر می کنید؟ و آنها شرم میکنند) بود. وعن أبي سعيد الخدري قال: «كان النبي ﷺ أشد حياء من العذراء في خدورها فإذا رأى شيئا يكرهه عرفناه في وجهه» [متفق عليه].

یعنی: «رسول الله ﷺ بیشتر از دختر باکره حیاء داشت، وهنگامیکه چیزی را ناخوش می داشت اثر آنرا در روی مبارک وی می دیدم».



۳۰- تنها خنده رسول الله ﷺ تبسم بود

پیامبر بزرگوار اسلام با نرمی، اخلاق عالی، چهره گشاده و قلب مهربان مردم را بحضور می پذیرفت. بیشتر اوقات تبسم بر لبهای مبارک ایشان جای داشت و با اصحاب خویش مزاح می فرمود و خوشی و سرور را به قلبهای ایشان داخل می کرد.

رسول الله ﷺ مثل ما خنده ای صدا دار نمی کرد، بلکه زیاد خنده اش تبسم بود، وگاهی خنده که می کرد کله دندان هایش معلوم می گردید.

وعن عائشة قالت: «مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُسْتَجْمِعاً قَطُّ صَاحِجاً حَتَّى تُرَى مِنْهُ لَهَوَاتُهُ، إِذَا كَانَ يَتَبَسَّمُ» [متفق علیه].

یعنی: «از عائشه روایت شده که گفت: هیچ وقت ندیدم که رسول الله ﷺ در خندیدن مبالغه کرده باشند، طوری که گوشت آخر دهان شان دیده شده باشد. همانا پیامبر ﷺ تبسم می نمود».

«عمرو بن عوف انصاری روایت می کند که پیامبر الله ﷺ ابو عبیده بن الجراح را به بحرین فرستاد، که جزیه آنها را بیاورد، و او هم مالی را از بحرین آورد. انصار از آمدن ابو عبیده آگاهی یافته، و در نماز صبح حاضر و آنها را با پیامبر ﷺ ادا نمودند. رسول الله ﷺ آنها را دیده تبسم فرمودند و گفت: گمان می کنم، شنیده اید که ابو عبیده مالی را از بحرین آورده است؟ جواب دادند: بلی ای پیامبر الله ﷺ!.

فرمود: شاد باشید و امیدوار به آنچه شما را شاد سازد! به الله قسم من از فقر بر شما نمی ترسم، لیکن ترسم از اینست که دنیا بر شما فراخ شود، چنانچه بر گذشتگان شد و مانندشان با هم رقابت و همچشمی نمائید و چون آنان هلاک شوید» [ریاض الصالحین].

گشاده رویی در عین اینکه یکی از اسباب ایجاد ارتباط میان مسلمانان است نشانه پالایش درون از صفات ناپسند هم می باشد، لذا بر هر مسلمان متعهدی لازم است این ویژگی اساسی را در خود برجسته کند تا هم زمینه تحکیم روابط مسلمانان فراهم شود و هم چهره ای زیبا و دلپسند از دین الله عرضه شود.



۳۱- رسول الله ﷺ سخنانش را سه بار تکرار می کرد

رسول الله ﷺ داعی ای بود که از تکرار سخنانش خسته نمی شد، اگر یک مسئله مهم می بود آنرا مکرراً بیان می فرمود بدون از اینکه خستگی ای را احساس کند و حتی زمانیکه سنش بلند رفته بود هم حرف هایش را مکرراً برای امت خود بیان می نمود.

عن أنس أن النبي ﷺ كان: «إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ، وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا» [رواه البخاري].

یعنی: «از انس روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ هر گاه سخنی می فرمود، سه بار آن را تکرار می فرمود تا از او فهمیده شود و هر گاه بر عده ای وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، سه بار سلام می فرمود (به خاطر کثرت حضار یا احتمال غفلت و نشنیدن آنها)».



۳۲- رسول الله ﷺ پی در پی (مسلسل) حرف نمی زد بلکه آهسته، آهسته حرف می زد

رسول الله ﷺ مثل بعضی از خطیبان امروزی نبود که چنان سخنان آتشین میزنند که گویا برای گر ها وعظ دارند، بلکه سخنان نرم، ملائم و آهسته می زد که سبب خستگی شنوندگان قرار نگیرد.

وعن عائشة قالت: «إن رسول الله ﷺ لم یکن یسرد الحدیث کسردکم کان یحدث حدیثا لو عده العاد لأحصاه» [متفق علیه].

یعنی: «عائشه می گوید: هیچ گاه رسول الله ﷺ مسلسل سخن نمی گفت، چنانکه شما می گوئید، بلکه رسول الله ﷺ چنان صحبت می کرد که اگر شمارنده می خواست آنرا شمار کند، هر آئینه آنرا می شمرد».



۳۳- رسول الله ﷺ در کارهای خانه؛ همسرانش را تنها نمی گذاشت

رسول الله ﷺ مثل برخی از ما نبود که تمام فشار، و کار های خانه را بالای زنان تحمیل کند؛ او رحمت للعالمین بود. در بیرون بهترین فرد و نیز در خانه بهترین فرد بود، همسرانش را نمی گذاشت که تمام فشار بالای آنها قرار گیرد.

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سُئِلَتْ: «مَا كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَصْنَعُ فِي بَيْتِهِ؟» قَالَتْ: كَانَ يَكُونُ فِي مَهْنَةِ أَهْلِهِ، تَعْنِي خِدْمَةَ أَهْلِهِ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ» [بخاری: ۶۷۶].

یعنی: «عایشه رضی الله عنها می گوید: از من درباره اموری که رسول الله ﷺ در خانه انجام می داد، سؤال نمودند. جواب دادم: رسول الله ﷺ در کارهای خانه، همسران خود را کمک می کرد. اما به محض اینکه وقت نماز فرا می رسید، برای نماز، بیرون می رفت.»

در روایت دیگری آمده است که: «عایشه رضی الله عنها می فرماید: پیامبر ﷺ کفش هایش را شخصاً تعمیر می کرد و لباس هایش را می دوخت؛ در خانه مانند یک نفر عادی کار می کرد. مانند همه انسان ها، لباس هایش را وصله می زد و گوسفندانش را می دوشید و خودش خادم خودش بود! [مشکاه المصابیح (۲/۵۲۰)].»

آری عزیزان: پیامبر ﷺ از همه مردم در عهد و پیمان با وفاتر و در رعایت صله رحم حساس تر بود. درمهریانی و شفقت و رأفت نظیر نداشت. در معاشرت و رعایت آداب از همه نیکوتر و بهتر بود و نسبت به عموم مردم از همه خوشروتر و خوش اخلاق تر بود.

۳۴- رسول الله ﷺ انتقام گیر نبود

رسول الله ﷺ هیچگاه نشده است که بخاطر خصومت یکه با او کرده بودند، انتقام بگیرد. اصلاً گرفتن انتقام در خصلت و اخلاقش نبود و همیشه بخشش و گذشت را بر اصحابش تعلیم می داد. اما اگر کسی علیه دین و رب العالمین و افراد مظلوم ظلم می کرد، پس صبرش لبریز شده و از آنها دفاع می نمود.

وعن عائشة قالت: «ما ضرب رسول الله ﷺ شيئاً قط بيده، ولا امرأَةً ولا خادماً، إلا أن يُجاهد في سبيل الله، وما نيل منه شيء قط فَيَنْتَقِمَ مِنْ صاحِبِهِ إلا أن يُنتَهَكَ شيء من محارم الله تعالى: فَيَنْتَقِمَ لله تعالى» [رواه مسلم].

یعنی: «عائشه گفت که: رسول الله ﷺ هرگز چیزی را بدست خویش نزدند و نه زنی را و نه خادمی را، مگر اینکه جهاد فی سبیل الله نموده باشد، و هیچ تجاوزی بر ایشان نشد که برای خویش انتقام گرفته باشد، مگر اینکه به حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد و رسول الله ﷺ فقط برای حق تعالی انتقام گرفته باشد».

به فتح مکه بنگرید که لشکر بیش از ده هزاری رسول الله ﷺ که تا به دندان مسلح هستند، تمام قاتلان شهدای احد و دیگر غزوات در آنجا حضور داشتند، آنانی که او را از مکه اخراج کردند و تصمیم قتل او را گرفتند، اما لحظه

این حرف را به یاد آور که اگر تو در مقام آن قرار می گرفتی چه عکس العملی را انجام می دادی؟. اما پیامبرت (ﷺ) تمام آنان را عفو می کند، و می گوید: «اذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطَّلَاقُ». یعنی: «بروید که شما همه آزادید».



۳۵- در میان صحابه طوری می نشست که انگار هم رتبه‌ی آنها هست

«پیامبر صلی الله علیه وسلم از تمام مردم متواضع تر و از تکبر دورتر بودند. اصحابشان را از اینکه برای ایشان مانند پادشاهان بایستند، منع می کردند. از افراد مسکین عیادت کرده و با فقرا می نشستند. دعوت بردگان را اجابت می کردند و در میان صحابه طوری می نشستند که انگار هم رتبه‌ی آنها هستند.» [الرحیق المختوم، الناشر: دار الهلال، ص ۴۴۶].



۳۶- رسول الله ﷺ هنگام بروز اختلاف میان اصحابش، سخت اندوهگین شده، و آنان را نکوهش می کرد

نبی ﷺ برای یارانش اجازه نمی داد تا آنان بین هم اختلاف کنند، و اختلاف آنان سبب دوری شان گردد، اصلاً در دینش محلی را برای اختلاف باقی نگذاشت.

عن ابن مسعود قال: قال النبي ﷺ: «لا تَحْتَلِفُوا فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا» [بخاری ۲۴۱۰].

یعنی: «از ابن مسعود روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمود: با یکدیگر اختلاف نکنید. زیرا امت های گذشته، بعلت اختلاف، از بین رفتند». ابوهیره می گوید: «خرج علينا رسول الله ﷺ ونحن نتنازع في القدر، فغضب حتى احمر وجهه حتى كأنما فقيه في وجنيه الرمان، فقال: أفبهذا أمرتم؟ أم بهذا أرسلت إليكم؟ إنما هلك من كن قبلكم حين تنازعوا في هذا الأمر عزمتم عليكم، عزمتم عليكم، ألا تنازعوا فيه» [سنن الترمذی ۴/۳۸۶].

یعنی: «پیامبر ﷺ در حالی که ما، در موضوع قدر بحث و گفتگو می کردیم. بر ما وارد شد آن حضرت خشمگین شد، تا جایی که چهره وی برافروخت چنانکه گویی آب اناری در چهره اش پاشیده باشند، فرمود: آیا شما به این

امرشدید؟ یا من به خاطر این فرستاده شدم؟ بی تردید امت هایی که پیش از شما بودند آنگاه که در این امر نزاع کردند نابود شدند. تأکید می کنم، تأکید می کنم در این موضوع با هم بحث نکنید».



۳۷- رسول الله ﷺ بین دو کار؛ آسانترین آنها انتخاب می

نمود

متأسفانه بعضی از سختگیران در دین؛ دین را خیلی سخت جلوه داده و بین دو امر مباح، مشکلترین آنها انجام داده و برای مردم آنها تبلیغ می کنند حال آنکه رسول الله ﷺ بین دو عمل آسان (اما مشروع) آسان ترین آنها انجام می داد.

وعن عائشة قالت: « مَا خَيْرٌ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَطُّ إِلَّا أَحَدًا أَيْسَرَهُمَا، مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ. وَمَا انْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِنَفْسِهِ فِي شَيْءٍ قَطُّ، إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ، فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ تَعَالَى » [متفق عليه].

یعنی: «عائشه می گوید: هرگز محیر نگردید رسول الله ﷺ میان دو کار، مگر اینکه آسانتر آن را می گرفت، مادامیکه گناه نمی بود. اگر گناه می بود، دورترین

مردم از آن می‌بود و هرگز پیامبر ﷺ برای خود در هیچ چیزی انتقام نگرفت، مگر اینکه حرم الله پایمال شده باشد و آنگاه برای الله انتقام می‌گرفت». وهمچنان توصیه او بر امتش مداوم این بود که در دین سختگیری نکنند و آسان گیر باشند.

وعن ابن مسعود ان رسول الله ﷺ قال: «هَلِكُ الْمُتَنَطِّعُونَ» قَالَهَا ثَلَاثًا» [روایت مسلم].

یعنی: «پیامبر ﷺ میفرماید: هلاک شدند متنتععون (= کسانی که بی مورد سختگیری کرده و در گفتار و کردارشان غلو می‌نمایند».



۳۸- رسول الله ﷺ بدی را به بدی جواب نمی‌داد:

و نیز:

۳۹- رسول الله ﷺ صدایش را در ملاعام بلند نمی‌کرد:

این رهبر ما است، رهبری که برایش بدی می‌کردند، اما هرگز بدی را به بدی جواب نمی‌داد بلکه توسط اخلاق و گذشت، دشمنانش را شکست داده و آنها سر به تسلیمی می‌نهادند، بله او کسی نیست جز محمد رسول الله ﷺ.

وعن عائشة رضي الله عنها قالت: «لم يكن رسول الله ﷺ فاحشا ولا متفحشا ولا سخابا في الأسواق ولا يجزي بالسيئة السيئة ولكن يعفو ويصفح» [رواه الترمذي].

یعنی: «عائشه رضی الله عنها می گوید که رسول الله ﷺ نه مزاج فحش گوئی داشت و نه به تکلف فحش می گفت، و نه صدایش را در بازار ها بلند می کرد و نه بدی را به بدی پاداش و جواب می داد بلکه گذشت و عفو می کرد».

آری عزیزان: با اخلاقت طوری رویه نکن که مردم را فریب دهی! بلکه طوری از اخلاقت استفاده کن که حتی بر پیامبرت محمد رسول الله (ﷺ) درود بفرستند که چنین امتی تربیه نموده است. زمانیکه کفار اخلاق نیکوی امام محمد (شاگرد امام ابوحنیفه) را دیدند گفتند اخلاق محمد کوچک این چنین است پس اخلاق محمد بزرگ چگونه باشد؟!.



۴۰- رسول الله ﷺ هرگز کسی را ملامت نمی کرد

رسول الله ﷺ اگر در امور دنیوی کسی حرفش را نمی شنید و یا می شنید و فراموشش می شد؛ پس او را ملامت و توبیخ نمی کرد و خود برای فراموشی فرد، بهانه ای می آورد تا آن مورد خجالت دیگران قرار نگیرد.

عن أنس قال: «خدمت رسول الله ﷺ وأنا ابن ثمان سنين خدمته عشر سنين فما لامني على شيء قط أتى فيه على يدي فإن لامي لائم من أهله قال: دعوه فإنه لو قضي شيء كان» [مشكاة].

یعنی: «انس رضی الله عنه می گوید: من پسر هشت ساله بودم که رسول الله ﷺ را خدمت می کردم و او را ده سال خدمت کردم و هیچگاه مرا به کاری که از دستم خراب می شد ملامت نکرده است و هرگاه کسی از اهل خانه ای او (ﷺ) مرا ملامت می کرد میفرمود: او را بگذارید هر آئینه چیزیکه از جانب الله قضا و فیصله شده باشد حتما شدنی است و میشود».



۴۱- رسول الله ﷺ فوراً در مقابل گنهکاران عکس العمل نشان نمی داد

رسول الله ﷺ هنگام برخورد با افراد گنهکار زود خشمگین نشده و فوراً در مقابل آن عکس العمل نشان نمی داد که آنرا تکفیر کند و یا هم اصحاب را امر کند تا او را لت کوب نمایند... بلکه با بصیرت و حکمت پیش می رفت.

وعن أبي هريرة قال: « بَالَ أَعْرَابِيٌّ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَامَ النَّاسُ إِلَيْهِ لِيَقَعُوا فِيهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: دَعُوهُ وَأَرِيضُوا عَلَيَّ بَوْلَهُ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ، أَوْ دَنْوَبًا مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُسَيَّرِينَ وَمَنْ تَبِعْتُمْ مُعَسَّرِينَ» [رواه البخاری].

ابوهریره روایت نموده گفت: «اعرابی در مسجد بول نمود، مردم برخاستند تا او را بزنند. پیامبر ﷺ فرمود: او را بگذارید (که بول خود را تمام کند) و بر بول او دلولی یا چند دلولی آب بریزید، زیرا شما برانگیخته شده اید تا آسانگیر باشید و برای آن برانگیخته نشده اید که سختگیری کنید». فکر کنید! اگر شما به عوض پیامبر می بودید و کسی در مسجد بول می کرد چه عکس العملی از خود نشان می دادید؟!.

۴۲- رسول الله ﷺ زود احساساتی نمی شد

رسول الله ﷺ یکی از عادات های که سبب بزرگ مرد شدن وی شد این بود که زود بالای افراد احساساتی نمی شد بلکه برای افراد وقت می داد و آنان را بعد از سپری کردن مدت زمانی نزد خود طلب می کرد و با صبر تام مفکوره اشتباه فرد را تصحیح می کرد بدون اینکه بین هردو بغض و حسد ایجاد گردد. در حدیث صحیح آمده است که:

امام احمد با سند خوبی از ابی امامه : روایت می کند: روزی جوانی خدمت آن حضرت ﷺ حاضر شد و عرض کرد: یا رسول الله! به من اجازه زنا بده، بمحض شنیدن این سخن تمام اصحاب به سوی او متوجه شدند و بر او پرخاش کردند، آنگاه آن حضرت ﷺ از وی خواست تا نزدیک بیاید و در کنارش بنشیند، رسول خدا ﷺ فرمودند: آیا این عمل را برای مادرت دوست داری؟ جوان گفت: به خدا سوگند نه، خداوند مرا فدای تو بکند، پیامبر ﷺ فرمودند: همینطور دیگران برای مادران شان دوست ندارند، آنگاه فرمودند: آیا این عمل را برای دخترت می پسندی؟ جوان گفت: به خدا سوگند نه، خداوند مرا فدای تو بکند، پیامبر ﷺ فرمودند: دیگران نیز برای دختران شان چنین نمی پسندند، آنگاه فرمود: آیا برای خواهرت این را می پسندی؟ جوان گفت: به خدا سوگند نه، خداوند مرا فدای تو بگرداند، فرمودند: مردم هم برای خواهران شان نمی پسندند، فرمودند: آیا برای خاله ات می پسندی؟ جوان گفت: به خدا سوگند نه، خداوند مرا فدای تو بگرداند، فرمودند: که مردم هم برای خاله های شان نمی پسندند، راوی می گوید: آنگاه رسول خدا ﷺ دست مبارکش را بر آن جوان گذاشت و فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبَهُ وَطَهِّرْ قَلْبَهُ وَحَصِّنْ فَرْجَهُ» «پروردگارا! گناه این جوان را معاف و قلبش را پاکیزه و

شرمگاهش را حفاظت بفرما». بعد از آن جوان به هیچ چیزی توجه نمی کرد [ابن کثیر (۱/۳)].



۴۳- کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می نمود

کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می کرد، هیچگاه نشده است که از گنهکاران در ملاءعام نام ببرد، زمانیکه بر همسرش (عائشه) تهمت زنا زدند، نام های همگی آنان را می دانست، لیکن نام هیچ یکی از آنها را نگرفت، چون دعوتگر زمانی در دعوت خود کامیاب میشود که در سخنرانی خود مستقیماً بر یک جانب حمله نکند. یکبار رسول الله ﷺ گفت: «ما بال أناس یشترون شروطاً لیست فی کتاب الله».

یعنی: «برای مردم چه حال است که شروطی را میگذارند که در کتاب الله عزوجل نیست!» [صحیح مسلم].

وعن یعلیٰ : إن رسول الله ﷺ رأى رجلاً یغتسل بالبراز فصعد المنبر فحمد الله وأثنی علیه وقال : " إن الله عزوجل حی حی ستر یحب الحیاء والستر

فإذا اغتسل أحدكم فليستتر " . رواه أبو داود والنسائي وفي روايته قال : " إن الله ستر فإذا أراد أحدكم أن يغتسل فليتوار بشيء " .
 یعنی: «رسول الله ﷺ مردی را دید که در میدان عریان غسل می کرد، پس بر منبر برخاست و ثناگفت. بعد فرمود که: الله با حیا و پرده پوش است، حیا و پرده را دوست دارد، پس هرگاه یکی از شما غسل می کرد، باید خود را از انظار مردم بپوشاند. و در روایت دیگری آمده است که الله ستر کننده است و قتیکه یکی از شما اراده غسل کند، باید پرده بگیرد».



۴۴- هیچ عیادت مریضی و هیچ جنازه ای از رسول الله ﷺ ترک نمی شد

رسول الله ﷺ از حال و احوال اصحابش جويا می شد، اگر آنان مریض می بودند پس اولین کسیکه احوال آنان را نسبت به دیگران جويا می شد، رسول الله ﷺ می بود و هیچ جنازه ای از اصحابش از او ترک نمی شد، و اگر احیاناً ترک می شد، جنازه غائبانه او را ادا می کرد.

وعن أنس يحدث عن النبي ﷺ: «أنه كان يعود المريض ويتبع الجنائزة ويحيب دعوة المملوك ويركب الحمار لقد رأيتُه يوم خيبر على حمار خطامه ليف» [رواه ابن ماجه والبيهقي في " شعب الإيمان "].

یعنی: «رسول الله ﷺ مریض را عیادت می کرد و در پی جنازه می رفت (از غایت تواضع) دعوت غلام را می پذیرفت، و بر خر سوار می شد و هراثینہ اورا در روز خیبر دیدم کہ بر خر سوار و ریسمان مہار آن از پوست خرما بود».



۴۵- رسول الله ﷺ هرگاه یکی از اصحابش را نمی دید، احوال او را جویا می شد

رسول الله ﷺ اصحابش را بسیار دوست می داشت، شب و روز را با آنان سپری می کرد، هیچ غذای نبود مگر اینکه آنها با اصحابش مشترکاً میل می کرد. از خانواده و فرزندان اصحابش و چگونگی سپری شدن زندگی آنان می پرسید، و برای آنان و اهل و فامیل شان دعای برکت می نمود. و هرگاه یکی از آنان به چشمش نمی خورد، فوراً در جستجوی حال آنان می شد.

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قِصَّةِ الْمَرْأَةِ الَّتِي كَانَتْ تَقُومُ الْمَسْجِدَ قَالَ فَسَأَلَ عَنْهَا النَّبِيُّ ﷺ فَقَالُوا: مَاتَتْ فَقَالَ: «أَفَلَا كُنْتُمْ آذَنْتُمُونِي؟» فَكَأَنَّهُمْ صَغَرُوا أَمْرَهَا، فَقَالَ: «ذُلُّونِي عَلَى قَبْرِهَا» فَذَلُّوهُ، فَصَلَّى عَلَيْهَا «مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ».

یعنی: ابوهریره رضی الله عنه در داستان (وفات) زنی که مسجد را نظافت می کرد می گوید: پیامبر ﷺ پرسید او کجاست؟ گفتند: وفات کرده است. فرمود: «پس چرا مرا خبر نکردید؟» گویا اصحاب او را کم اهمیت دیده بودند، فرمود: «قبرش را به من نشان دهید». قبرش را نشان دادند، آنگاه بر او نماز گزارد.».



۴۶- رسول الله ﷺ برای اصحابش آزادی بیان می داد

ایشان(ﷺ) حرف اصحابش را می شنید، در مقابل حرف های آنان نمی پرید، اگر سخنان یارانش اگرچه خطا هم می بود یا مخالف سنتش، می گذاشت که آنان حرف خود را تمام کنند.

از ابوهریره روایت است که: مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و با لحنی تند طلب خود را از آن بزرگوار خواست. صحابه خواستند او را تنبیه کنند؛ ولی رسول الله ﷺ فرمود: «دَعُوهُ، فَإِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا»: «کاری با او نداشته باشید؛

زیرا آنکه حقی دارد، حقّ سخن گفتن و مطالبه ی حقّش را دارد». و سپس فرمود: «أَعْطُوهُ سِنّاً مِثْلَ سِنِّهِ»: «شتری مانند شتر خودش به او بدهید». گفتند: ای رسول الله، شتری جز بهتر و بزرگ تر از شترِ او نمی یابیم. فرمود: «أَعْطُوهُ، فَإِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً»: «همان را به او بدهید؛ زیرا بهترین شما کسی است که بدهی خود را به بهترین شکل ادا کند» [متفق علیه].



۴۷- رسول الله ﷺ با وصفی که رهبریک امت بزرگ بود؛

اما لباس خود را می دوخت و کوسفند را می پوشید

امروز رهبران کشور های دنیا بهترین لباس را فقط یکبار می پوشند و برای خود بهترین خدمه های دنیا را بر می گزینند اما نه تنها که بعد از مرگ شان از یاد می روند بلکه در زندگی خویش هیبت و وقار نمی داشته باشند اما رسول الله ﷺ با وصفی که بزرگترین امت را رهبری و قیادت می کند، ملائکه بر او می آیند و سبب فتح سرزمین ابرقدرت مندان جهان می گردد، لیکن در خانه کار می کند، لباس خود را خود پاک کرده و می دوزد، قرن ها از مرگ او سپری شده! اما یادش سبب تازگی قلب ها می گردد.

وعن عائشة قالت: «كان رسول الله ﷺ يخصف نعله ويحيط ثوبه ويعمل في بيته كما يعمل أحدكم في بيته» وقالت: كان بشرا من البشر يفلي ثوبه ويحلب شاته ويخدم نفسه» [رواه الترمذي].

یعنی: «عائشه رضی الله عنها میفرماید که رسول الله ﷺ کفش خود را پیوند می کرد، جامه های خود را می دوخت و درخانه خود کار می کرد چنانکه یکی از شما درخانه ای تان کار می کنید وگفت: او یک بشر (آدمی) بود جامه هایش را خودش می جست (از خس و خار و سپس پاک می کرد) وگوسفند خود را می دوشید و کار های خود را خودش می کرد».



۴۸- پیامبر ﷺ وقتی که با کسی دست پرسی می کرد؛ تا آنکه شخص دست خود را بر نمی داشت، رسول الله ﷺ دست خود را دور نمی کرد

و نیز:

۴۹- رسول الله ﷺ پایش را طرف همنشین خود دراز نمی کرد

رسول الله ﷺ در هنگام احوال پرسی دست جانب مقابل را (در روایتی) تکان می داد و تا خود شخص دست خود را از دست رسول الله ﷺ رها نمی کرد، و رسول الله ﷺ دست وی را در دست خود می چسپاند.

و هنگامیکه در مجلسی می نشست، نهایت ادب را مراعت می کرد.

وعن أنس أن رسول الله ﷺ «كان إذا صافح الرجل لم ينزع يده من يده حتى يكون هو الذي ينزع يده ولا يصرف وجهه عن وجهه حتى يكون هو الذي يصرف وجهه عن وجهه ولم ير مقدما ركبتيه بين يدي جليس له» [رواه الترمذي].

یعنی: «هنگامیکه رسول الله ﷺ با کسی مصافحه می کرد تا وقتی دست خود را بر نمی کشید که تا که آن مرد (جانب مقابل) نخست دست خود را برکشد و نه روی خود را از روی وی بر میگردداند تا آنکه او اولتر رویش را برگرداند و هیچ گاه دیده نشده است که پایش را پیش روی همنشین خود دراز کند».



۵۰- رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی دیگری نمی شد (بلکه توجه وی به سوی همنشینش می بود)

رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی نمی شد که همنشینش خسته گردد، مانند اینکه من و شما در مجالس مصروف موبائل می شویم و مجلس را بر همنشین خود خسته کن میسازیم.

عبدالله بن عمر می گوید: پیامبر ﷺ انگشتی داشتند که آن را در انگشت شان کردند و فرمودند: «شَعَلَنِي هَذَا عَنْكُمْ مِنْذُ الْيَوْمِ، إِلَيْهِ نَظَرَةٌ، وَإِلَيْكُمْ نَظَرَةٌ ثُمَّ أَلْقَاهُ - يعني الخاتم-» [النسائي ۲/۲۹۵].

یعنی: «امروز نگاه به این انگشت مانع توجه من به شما شده است، گاهی به او می نگرم و گاهی به شما - آنگاه انگشت را انداخت-».



۵۱- رسول الله ﷺ کار امروز را برای فردا نمی گذاشت و نیز چیزی را برای فردای خود ذخیره نمی کرد

رسول الله ﷺ هر عمل را در زمانش انجام می داد، و در انجام اعمال سستی نمی کرد که کار سخت و دشوار را بر روز دیگری بگذارد، و هرچه امروز می داشت از آن میل می کرد و برای فردایش ذخیره نمی کرد.

وعن أنس أن رسول الله ﷺ: «كان لا يدخر شيئاً لغد» [رواه الترمذي].
 یعنی: «آنس رضی الله عنه می فرماید که رسول الله ﷺ هیچ چیزی را به فردا
 ذخیره نمی کرد».
 محدثین در شرح حدیث گفته اند که یا مراد ذخیره کردن مال است و یا به
 تأخیر انداختن کار.



۵۲- رسول الله ﷺ زیاد حرف نمی زد

رسول الله ﷺ زیاد حرف های بی معنی نمی زد، حرف های را به زبان می
 آورد که در آن بحثی از رضایت الله بوده و انسان را در دنیا و آخرت کمک می
 کرد.

وعن جابر بن سمرة قال: «كان رسول الله ﷺ طويل الصمت» [رواه في شرح
 السنة].

یعنی: «جابر بن سمرة می گوید که رسول الله ﷺ خاموشی دراز داشت (تاوقت
 زیاد خاموش می بود و بدون ضرورت سخن نمی زد).

و نیز روایت شده است که رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» [رواه البخاری ۶۰۱۸].

یعنی: «کسی که ایمان به الله و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود».



۵۳- رسول الله ﷺ آرام آرام و جدا جدا حرف می زد

رسول الله ﷺ طوری حرف نمی زد که سریع، سریع باشد و شنونده را خسته سازد.

وعن جابر قال: «كان في كلام رسول الله ﷺ ترتيل وترسيل» [رواه أبو داود].
یعنی: «جابر می گوید که رسول الله ﷺ آرام آرام و جدا جدا حرف می زد».



۵۴- رسول الله ﷺ یارانش را به غضب و خشم نشدن توصیه می نمود

یکی از عوامل شکست انسان ها، غضب و قهر شدن است. اما رسول الله ﷺ در زیادی از روایات، اصحابش را از غضب، قهر و غصه منع نموده است.

وعن أبي هريرة أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: «أَوْصِنِي قَالَ: «لَا تَعْضَبْ» فَرَدَّدَ مِرَارًا، قَالَ: «لَا تَعْضَبْ»» [رواه البخاری].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده که: مردی برای پیامبر ﷺ گفت: مرا توصیه فرما! فرمود: خشم مکن، و چندین بار آنمرد تکرار کرد و در هر بار رسول الله ﷺ می فرمود: خشم مکن».

امام «احمد» روایت می کند که «عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما -» از رسول خدا ﷺ پرسید که چه چیزی مرا از خشم الهی دور می کند؟ آن حضرت فرمودند: «خشمگین مشو».

و در روایت دیگری از بخاری آمده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کسی که خشم خود را فرو برد در حالی که می تواند آن را ابراز نماید، خدای تعالی در روز قیامت او را در انظار مردمان می خواند، سپس به او اختیار می دهد که هر «حورالعینی» که می خواهد، انتخاب کند.

«ابن مسعود - رضي الله عنه -» می گوید: رسول اکرم ﷺ از جماعتی از یاران پرسیدند: پهلوان ترین شما چه کسی است؟ گفتند: کسی که هیچکسی از ما نتواند پشت او را بر خاک بزند فرمود: «خیر! کسی است که هنگام خشم بر خود مسلط است». (روایت بخاری و مسلم)

پس تعجبی ندارد که قرآن کریم مکرراً به فرو بردن خشم و بهترین برخورد دعوت نموده و مؤمنین را به روی گرداندن از افراد نادان دعوت می کند تا

بدین وسیله گامی در جهت تحقق مودت و روابط سودمند اجتماعی و الفت قلوب مسلمین برداشته شود.



۵۵- مهربانی و دلسوزی پیامبر ﷺ

ایشان با کودکان و زنان و بینوایان خیلی مهربان بود. یک بار در نماز گریه بچه‌ای را شنید که مادرش پشت سر او مشغول نماز بود، نمازش را کوتاه کرد. در یکی از جنگ‌ها به جنازه زنی برخورد کرد؛ و سخت ناراحت شد و فرمود:

مگر شما را از کشتن زنان منع نکرده بودم؟ این زن با شما نمی‌جنگید!
با حیوانات به حدی مهربان بود که ظرف آب را در جلوی گریه قرار می‌داد.

یک بار شتر لاغری را دید؛ فرمود: در مورد این چهارپایان از خدا بترسید و آنها را سیر کنید.

این‌ها همه نشانه‌های رحمت و مهربانی و دلسوزی محمد ﷺ است که درون بزرگش را لبریز نموده بود.



۵۶- رسول الله ﷺ روزانه بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می خواست

رسول الله ﷺ با وصفی که معصوم بود و هیچ گناهی از او سر نزنده و الله او را از ارتکاب گناه حفظ داشته است ولیکن بخاطر شکرگزاری رب العالمین روزانه بیش از هفتاد بار از او آمرزش می خواست - پس ما چگونه هستیم؟ -
 در حدیث صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «و الله إني لأستغفر الله ، وأتوبُ إليه في اليوم أكثر من سبعين مرَّةً» [صحیح الجامع: ۷۰۹۱].
 یعنی: «سوگند به الله که من، روزانه بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می خواهم و به سوی او توبه می کنم».



۵۷- رسول الله ﷺ بخشنده ترین مردم بود

رسول الله ﷺ در عمرش هیچ صحابی نبوده که از او تقاضای کمک نکرده باشد؛ مگر اینکه پیامبر گرامی مان (ﷺ) او را کمک کرده است، رسول گرامی مان (ﷺ) از احوال مسلمانان جويا می شد، فقیر را توصیه به صبر نموده و غنی را بخاطر کمک به فقیر بشارت به بهشت می داد.

وعن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَجْوَدَ النَّاسِ، وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيْلُ، وَكَانَ جَبْرِيْلُ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ، فَلَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ، حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيْلُ أَجْوَدُ بِالْحَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ» [متفق عليه].

یعنی: «از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بخشنده‌ترین مردم بود و سخاوتمندتر از هر وقت، زمانی بود که در ماه رمضان جبرئیل نزدش می‌آمد. جبرئیل در تمامی شبهای رمضان، قرآن را با پیامبر ﷺ تکرار می‌نمود و آن رسول الله ﷺ در بخشش و خیر، از بادهای وزنده نیز سبقت می‌گرفت.»



۵۸- رسول الله ﷺ عادت گذشت، عفو و بخشش را داشت

رسول الله ﷺ در تمامی عمر مبارکش؛ عادت گذشت و عفو را بالای نفس خویش قبولانده بود، و امت خود را بر این عمل مهم (گذشت و عفو) توصیه می‌نمود و داستان‌های از صبر و گذشت پیامبران و صالحان را برای اصحابش می‌گفت تا آنان نیز از خود گذری کار بگیرند.

وعن ابن مسعود قال: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، ضَرَبَهُ قَوْمُهُ فَأَدَمَوْهُ، وَهُوَ يَمَسُحُ الدَّمَ عَنْ وَجْهِهِ، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»» [متفق عليه].

یعنی: «ابن مسعود گفت: گویی من بسوی رسول الله ﷺ می نگرم، در حالیکه ایشان در باره پیامبری از پیامبران علیه نبینا و علیهم الصلاة و السلام حکایت می نمودند که قومش وی را زده و خون آلود کردند و او خون را از رویش مسح نموده و میگفت: بار الهی بر قوم پیامرز، زیرا آنان نمی دانند».



۵۹- رسول الله ﷺ شخص کنهکار را دعای بد و نابودی نمی کرد

خیلی از ما برخلاف رسول الله ﷺ، هنگام مواجه شدن با افراد عاصی و گنهکار اورا به القاب بدی یاد می کنیم و آنرا روی سیاه دنیا و آخرت می نامیم در حالیکه پیامبر گرامی مان (ﷺ) اینگونه نبودند.

وعن أبي هريرة قال: «أُتِيَ النَّبِيُّ ﷺ بِرَجُلٍ قَدْ شَرِبَ خَمْرًا قَالَ: «اضْرِبُوهُ» قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: فَمِنَّا الضَّارِبُ بِيَدِهِ وَالضَّارِبُ بِنَعْلِهِ، وَالضَّارِبُ بِثَوْبِهِ. فَلَمَّا انْصَرَفَ

قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: أَخْزَاكَ اللَّهُ، قَالَ: لَا تَقُولُوا هَكَذَا لَا تُعِينُوا عَلَيْهِ الشَّيْطَانَ» [رواه البخاری].

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: شخصی را نزد پیامبر ﷺ آوردند که شراب خورده بود، پیامبر ﷺ فرمودند: «او را بزنید!» ابوهریره می گوید: بعضی از ما، با دست خود او را می زد، و بعضی با کفش خود و برخی با لباسش؛ وقتی رفت، یکی از حاضران گفت: الله تو را خوار و رسوا کند! پیامبر ﷺ فرمودند: «چنین نگوئید و شیطان را به ضرر او کمک نکنید».



۶۰- رسول الله ﷺ در بین جوانان؛ یتیمان را بیشتر دوست داشت

در هر عصری جامعه پر از جوانان اند، ولیکن انسان چگونه جوان را باید دوست بدارد این مهم است زیرا رسول الله ﷺ در بین جوانان مکه و مدینه اشخاص یتیم را خیلی دوست داشت، آنان را در آغوش می گرفت و آنها را می بوسید و صحابه را تشویق بر کمک آنها می نمود و آنها را بشارت به بهشت می داد طوریکه روایت است:

«وعن سهل بن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: «أنا وكافل اليتيم في الجنة هكذا» وأشار بالسبابة والوسطى، وفرَّجَ بَيْنَهُمَا» [رواه البخارى].
 يعنى: «از سهل بن سعد روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «من و کفیل (عهده‌دار) یتیم، در بهشت، این چنین هستیم» و به دو انگشت سبابه و میانه اشاره نمود و آنها را از هم جدا کرد».



۶۱- رسول الله ﷺ طوری حرف می زد که کوچک و بزرگ حرف آن را می دانستند

رسول الله ﷺ هنگام حرف زدن از کلماتی استفاده می نمود که هر قوم و قبیله به خوبی می توانستند آن سخنان را بفهمند بدون اینکه دوباره آنها از رسول الله ﷺ بپرسند.

وعن عائشة قالت: «ما كان رسول الله ﷺ يسرد سردكم هذا ولكنه كان يتكلم بكلام بينه فصل يحفظه من جلس إليه» [رواه الترمذي].

یعنی: «عائشه رضی الله عنها می فرماید که رسول الله ﷺ مانند شما پی در پی سخن نمی زد؛ بلکه در میان سخنان وی جدائی می بود، کسیکه باوی می نشست سخنانش را یاد می گرفت».

۶۲- رسول الله ﷺ بدون وحی؛ هرگز صحبت نمی کرد

رسول الله ﷺ منتظر وحی می بود، و هیچ چیزی را از عقل و فکر خود نمی گفت، و انتظار امر الله سبحانه و تعالی را داشت که درین زمینه چه فرمان می دهد.

وعن عبد الله بن سلام قال: «كان رسول الله ﷺ إذا جلس يتحدث يكثر أن يرفع طرفه إلى السماء» [رواه أبو داود].

یعنی: «هنگامیکه رسول الله ﷺ برای صحبت کردن و سخن زدن می نشست؛ اکثراً به سوی آسمان نگاه می کرد (و نزول وحی را انتظار می کشید)».



۶۳- رسول الله ﷺ سخنان بی هوده نمی گفت

و نیز:

۶۴- رسول الله ﷺ با بیوه زنان و مساکین می رفت و کار آنان را انجام می داد

رسول الله ﷺ هرآنچه که سخن مفید به یاد می داشت و آنچه که برایش وحی می آمد آنرا بیان میکرد و روزه عادت سکوت را بر خود برگزیده بود و در تلاش فقرا و بیوه زنان بود تا آنان را از چه راهی می تواند کمک کند.

وعن عبد الله بن أبي أوفى قال: «كان رسول الله ﷺ يكثر الذكر ويقل اللغو وبطيل الصلاة ويقصر الخطبة ولا يأنف أن يمشي مع الأرملة والمسكين فيقضي الحاجة» [رواه النسائي والدارمي].

یعنی: «عبدالله بن ابی اوفی می گوید که رسول الله ﷺ بسیار ذکر می کرد و سخنان بیهوده نمی گفت، نماز دراز می خواند و خطبه را کوتاه می گفت و از رفتن با بیوه و مسکین عار نمی داشت (با او می رفت) و کار او را اجرا می کرد».

۶۵- هرگز رسول الله ﷺ دروغ نمی گفت

دروغ برای هیچ مسلمانی زینده نیست، اما در خو و عادت رسول الله ﷺ هرگز دروغ وجود نداشت چون یک رهبر نمی تواند به کلمات و حرف های دروغ رعیت خود را فریب دهد.

وعن علي أن أبا جهل قال للنبي ﷺ: «إنا لا نكذبك ولكن نكذب بما جئت به فأنزل الله تعالى فيهم: ﴿فإنهم لا يكذبونك ولكن الظالمين بآيات الله يجحدون﴾ [رواه الترمذي وفي سنده مقال].

یعنی: «علی رضی الله عنه می گوید: ابو جهل به رسول الله ﷺ گفت: ما ترا دروغگو نمی پنداریم بلکه چیزی را که (از دین و شریعت) آورده ای آنرا تکذیب می کنیم، پس الله متعال در مورد ایشان این آیه را فرو فرستاد که (آنها ترا تکذیب نمی کنند بلکه ظالمان از آیات الله تعالی منکر می شوند)».



۶۶- رسول الله ﷺ صدقه را نمی خورد، اما هدیه را پذیرفته و میل می کرد

یکی از علائمی که رسول الله ﷺ را دیگران می شناختند و حتی در کتب یهودیان آمده بود این است که وی صدقه را قبول نمی کند ولیکن هدیه را قبول کرده و همراهی اصحابش مشترکاً آنرا میل می کرد.

وعن أبي هريرة قال: «أخذ الحسن بن علي ثمرَةً مِنْ ثَمْرِ الصَّدَقَةِ فَجَعَلَهَا فِي فِيهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كُحْ كُحْ، إِزْمِ بِهَا، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ؟» [متفق عليه].

وفی روایة: «إنا لا نَحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةُ».

یعنی: «از ابو هریره روایت است که: حسن بن علی دانه ای خرمایی از خرماهای صدقه را گرفته به دهن خویش نمود. رسول الله ﷺ فرمود: کخ کخ، (دور کن دورکن)، آیا نمی دانی که ما مال صدقه را نمی خوریم؟!»

در روایتی آمده که صدقه برای ما حلال نیست».

و در روایت مسلم آمده است که: «ولنا هدیة».

یعنی: «برای ما هدیه جواز دارد».



۶۷- رسول الله ﷺ بهترین فرد برای خانواده اش بود

رسول الله ﷺ برای هر طیف و فرد؛ محبوبیت خاص خود را داشت و برای هر شخص محبت خاصی می نمود، لیکن برای خانواده اش بهترین محبت را انجام می داد که در هیچ زمانه ای مانند او پیدا نخواهد شد.

رسول الله ﷺ میفرماید: «خیرکم خیرکم لأهله وأنا خیرکم لأهلی» [رواه الترمذی و مشکاة (۳۲۵۲)].

یعنی: «بهترین تان، بهترین تان (براهل) (فامیل) تان هستید) و من بهترین تان هستم برای اهل (فامیل) ام».

۶۸- رسول الله ﷺ اطفال را تحنیک می نمود

رسول الله ﷺ اطفال نوزاد را قبل از نام گذاری تحنیک می نمود و بعداً نام او را انتخاب می نمود:

تحنیک: شیرین کردن کام طفل به خرما.

عن أبي موسى قال: «ولد لي غلام فأتيت به النبي ﷺ فسماه إبراهيم وحنكه بتمر» [صحيح مسلم].

یعنی: «فرزندی برایم تولد شد و آنرا نزد رسول الله ﷺ آوردم، پس رسول الله ﷺ اسم او را «ابراهیم» گذاشت و او را با خرما تحنیک نمود».



۶۹- رسول الله ﷺ در مقابل کار نیک دیگران؛

جزاک الله خیرا، می گفت

رسول الله ﷺ هنگامیکه کسی کار خیری را انجام می داد برای طرف مقابل می گفت: «جزاک الله خیرا» که متأسفانه این سنتی است ترک شده است در جامعه ای ما.

جزاک الله خیرا: یعنی از الله می خواهم در پاداش این کار، خیر فراوانی نصیب کند.

اسامة بن زید رضی الله عنهما از رسول الله ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند: «کسی که در حقش نیکی شده و به صاحب آن کار نیک بگوید: جزاک الله خیرا، در ثنای وی مبالغه کرده است» [به روایت ترمذی و نسائی و تصحیح علامه آلبانی].

منظور از مبالغه، یعنی تلاش خود را برای جبران آن خوبی و حق شناسی انجام داده است، زیرا درخواست خیر مطلق از الله برای یک شخص دعای بسیار بزرگی است.

همچنین رسول الله ﷺ در تشکر از انصار خطاب به ایشان «جزاکم الله خیرا» فرمود [ابن حبان و حاکم، السلسلة الصحيحة: ۳۰۹۶].
عمر بن الخطاب رضی الله عنه می‌فرماید: اگر کسی از شما می‌دانست که در گفتن جزاک الله خیرا به برادرش چه [سود و پاداشی] خواهد داشت، این را بسیار به یکدیگر می‌گفتند [مصنف ابن ابی شیبة ۵ / ۳۲۲].



۷۰- رسول الله ﷺ هرگاه از قومی می ترسید می گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»

عن أبي موسى الأشعريّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ» [سنن أبو داود].

یعنی: «ابو موسی اشعری می گوید: چون رسول الله ﷺ از قومی می ترسید، می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ...».

یعنی: «بار الهی ما ترا در برابر دشمنان قرار می دهیم (که حفظ مان کنی) و از شرارت های شان بتو پناه می بریم».



۷۱- رسول الله ﷺ وقتی که عطسه می زد دست خود را بر دهانش می گذاشت

یکی از عادت های رسول الله ﷺ نسبت به سائر مردم این بود که هنگام عطسه دهن خود را پت می کرد تا مبادا صدای او برای هم نشینش خسته کن گردد و یا آب دهنش بیرون گردد.

«وعن أبي هريرة قال: كان رسول الله ﷺ إِذَا عَطَسَ وَضَعَ يَدَهُ أَوْ ثَوْبَهُ عَلَى فِيهِ وَخَفَضَ أَوْ غَضَّ بِهَا صَوْتَهُ» [رواه أبو داود، والترمذي وقال حديث حسن صحيح].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ عطسه می‌زد، دست یا جامه‌اش را بر دهانش می‌گذاشت و بدین ترتیب صدای آن را کم می‌نمود.»



۷۲- رسول الله ﷺ گاهی سخنرانی می‌کرد (نه بطور همیشگی)

یکی از عواملی که مردم با واعظان مخالف اند و حرف های آنان بالای شان تأثیر نمی‌کند اینست که همیشه سخنرانی می‌کنند (وقت و ناوقت) و طولانی حرف می‌زنند، اما رسول الله ﷺ سخنور توانا برای سخنرانی خود وقت معین تعیین می‌کرد و همیشه سخنرانی نمی‌کرد تا مردم را خسته سازد.

عن أبي وإيل شقيق بن سلمة قال: «كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ يُدَكِّرُنَا فِي كُلِّ حَمِيسٍ مَرَّةً، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ لَوَدِدْتُ أَنَّكَ دَكَّرْتَنَا كُلَّ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَمَا

إِنَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ أَنِي أَكْرَهُ أَنْ أَمْلِكُمْ وَإِنِّي أَخْوَلُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ، كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَخَوَّلُنَا بِهَا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْنَا» [متفقٌ عليه].

یعنی: «از ابو وائل شقیق بن سلمه روایت شده که گفت: ابن مسعود در هر پنجشنبه به ما موعظه می نمود. مردی به او گفت: ای ابو عبد الرحمن دوست داشتم که هر روز مارا پند می دادی.

گفت: آنچه مرا از این کار باز می دارد، اینست که می ترسم شما را خسته گردانم و من روزی را به موعظه ای شما اختصاص می دهم، همانطوریکه رسول الله ﷺ عمل می نمود از ترس خستگی و ملامت شما».



۷۳- رسول الله ﷺ روز های دوشنبه و پنج شنبه را روزه می گرفت

رسول الله ﷺ تنها ماه کامل رمضان را روزه می گرفت، ولیکن یازده ماه باقی را فقط چند روز محدودی از آنرا روزه می بود.

وعن عائشة رضي الله عنها قالت: «كان رسول الله ﷺ يصوم الاثنين والخميس» [رواه الترمذي والنسائي].

یعنی: «از عائشه رضی الله عنها روایت شده است که بود رسول الله ﷺ روزه می گرفت روز دوشنبه و پنجشنبه را».



۷۴- رسول الله ﷺ هنگام سفر یارانش؛ برای آنها دعا می

نمود

این عادت رهبر معظم ما(ﷺ) بود که هنگامیکه یکی از اصحابش رخت سفر می بندد؛ پس نزد او رفته و برایش دعا می نمود، این کاری است که اکثریت رهبران جهان از آن بی خبر اند و صرف عمل محبوب رسول الله ﷺ بود.

وعن عبد الله بن يزيد الخطمي الصحابي قال: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُودَعَ الْجَيْشِ قَالَ: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكُمْ، وَأَمَانَتَكُمْ، وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ»» [حدیث صحیح، رواه أبو داود وغيره بإسناد صحیح].

یعنی: «از عبد الله بن يزيد خطمی صحابی روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ می خواست با لشکری وداع کند، می فرمود: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكُمْ، وَأَمَانَتَكُمْ، وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ»».

یعنی: «دین و امانت و انجام اعمال شما را نزد الله به ودیعت می گذارم».

۷۵- رسول الله ﷺ هرگاه از سفر می آمد به مسجد می رفت و دو رکعت نماز ادا می کرد

متأسفانه! همگی مان سفر کرده ایم و سفر می نماییم، وگاهی نشده است که این سنت رسول الله ﷺ را انجام دهیم، واین سنت چندین حکمت دارد که برخی از آن: فامیل از آمدنت آگاه شده و خود را برایت مزین می سازند واطفالت را پیش رویت روان میکنند وموی های اضافی بدن خود را می تراشند- کما فی الحدیث-.

عن کعب بن مالکٍ أَن رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ «إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأُ بِالْمَسْجِدِ فَرَكِعَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ» [متفقٌ علیه].

یعنی: «از کعب بن مالک روایت شده که چون رسول الله ﷺ از سفر می آمد، از مسجد شروع نموده و در آن دو رکعت نماز می گزارد».



۷۶- رسول الله ﷺ چیزهای شیرین را (مثل عسل) دوست می داشت

رسول الله ﷺ هرطعامی که نسبت به خوردنی ها دیگر شیرین تر می بود دوست می داشت به خصوص عسل را.

وعن عائشة رضي الله عنها قالت : كان رسول الله ﷺ يحب الحلواء والوعسل [رواه البخاري].

یعنی: «عائشه می گوید که رسول الله ﷺ دوست داشت (خوردنی های شیرین) وعسل را».



۷۷- رسول الله ﷺ آب را به سه نفس می نوشید

رسول الله هنگام ﷺ نوشیدن آب، سه بار آنرا می نوشید و به نفس آرام؛ زیرا دکتران گفته اند که یکبار آب خوردن اضرار زیادی دارد و یکی از آن بند شدن تنفس میباشد.

یعنی: عن أنسٍ أن رسول الله ﷺ «كَانَ يَتَنَفَّسُ فِي الشَّرَابِ ثَلَاثًا» [متفقٌ عليه].

یعنی: «از انس روایت است که: رسول الله ﷺ در آشامیدن سه بار نفس می کشیدند- یعنی بیرون از ظرف-».



۷۸- رسول الله ﷺ تکیه کنان؛ چیزی نمی خورد

دکتران گفته اند که تکیه کنان خوردن؛ سبب امراض زیادی می گردد چون طعام به درستی داخل شکم نمی گردد از این رو قرن ها پیش امام دکتران (ﷺ) تکیه کنان نان نمی خورد.

وعن أبي جحيفة قال: قال رسول الله ﷺ: «لَا أَكُلُ مَتَّكِمًا إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ أَكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ، وَأَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ» [بروایت بخاری].

یعنی: «در حالی که تکیه زده ام غذا نمی خورم، چون این حکایت از تکبر و غرور دارد. فرمود: من بنده هستم، همانطور که بنده می خورد، من می خورم و مثل بندگان می نشینم».



۷۹- رسول الله ﷺ بدون حائل روی زمین می نشست و غذا می خورد

امروز از عوام گرفته، تا علماء خلاف رسول الله ﷺ غذا می خورند. رسول الله ﷺ روی زمین - بدون حائل - می نشست و روی زمین غذا می خورد که نشان ساده زیستی ایشان است. او حاکم مسلمین بود و حکام امروز هم بر مسلمانان حکمرانی می کنند!! او کجا و اینها کجا!؟

اما مشاهده می شود آنانی که ادعای محبت سنت رسول الله ﷺ را دارند بالای میزها و ... غذا می خورند.

عن ابن عباس قال: «كان يجلس على الأرض و يأكل على الأرض» [صحیح الجامع ۹۰۴۶].

یعنی: «رسول الله ﷺ بالای زمین می نشستند و بالای زمین نان می خوردند (بدون کدام حائل)».

برخی از عادات رسول الله ﷺ هنگام غذا خوردن

- رسول الله ﷺ قبل از غذا خوردن بسم الله می گفت.
- رسول الله ﷺ قبل از غذا خور دستان خود را می شست.
- رسول الله ﷺ بد می دانست که غذای را تنها بخورد، بلکه یکی را با خود همراه می نمود.
- رسول الله ﷺ با دست راستش غذا می خورد.
- رسول الله ﷺ با سه انگشتان خود غذا میل می کرد.
- رسول الله ﷺ در کاسه از پیش روی خود را می خورد نه از پیش روی دیگران.

- رسول الله ﷺ آب را سه بار می نوشید.
- رسول الله ﷺ بعد از صرف طعام، مسواک می نمود.
- رسول الله ﷺ هرگاهی که نزدش اقوامی یا اصحابش می بود، برای آنان بعد از غذا دعا می نمود.
- رسول الله ﷺ هرگاهی که از غذا خوردن فارغ می گشت، ثنا و صفت الله تعالی را بیان می داشت.



۸۰- رسول الله ﷺ هرگاه از کاری در فشار قرار می گرفت و خسته می شد، با نماز خود را راحت می ساخت

نماز، راه حل تمامی مصیبت ها و مشکلات است، ازین رو پیامبر گرامی مان ﷺ هنگام بروز مشکلات به نماز پناه می خواست.

عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ صَلَّى» [أبوداود].

یعنی: «رسول الله ﷺ چون از کاری در فشار قرار می گرفتند، به سوی نماز پناه می خواست».

وهرگاه رسول الله ﷺ خسته می شد به مؤذن شان سیدنا بلال رضی الله عنه می فرمودند: «يا بلالُ أقيم الصلاةَ أرِحنا بِها» [أبو داود واحمد].

یعنی: «ای بلال! با برپا نمودن نماز، به ما راحتی ببخش».



۸۱- هرگاه کسی نیازی پیدا می‌کرد، خطبه‌اش را قطع می‌نمود

ابن القیم گفته است: پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی که نیازی پیش می‌آمد یا کسی از یارانش سوالی می‌کرد، خطبه‌اش را قطع می‌کرد و بدان می‌پرداخت، چه بسا برای نیازی که پیش می‌آمد، از منبر فرود می‌آمد سپس دوباره به منبر برمی‌گشت و خطبه را پایان می‌برد، همانگونه که برای برداشتن حسن و حسین پایین آمد و آنان را برداشت و بالای منبر برد، سپس خطبه را پایان برد و در هنگام خطبه می‌فرمود: ای فلانی بیا اینجا بنشین، ای فلانی نماز بخوان، بمر صورت بمقتضای حال در هنگام خطبه اوامری صادر می‌کرد.



۸۲- هرگاه امر خوش آیندی برای پیامبر ﷺ رخ می داد،

سجده شکر می کرد

عن أبي بكرة أن النبي ﷺ كان: «إذا أتاه أمر يسره أو يسر به خر ساجدا شكر الله تبارك و تعالی» [ابوداود (۲۷۷۴)].

یعنی: «از ابوبکره روایت است که هرگاه امری خوشایند برای رسول الله ﷺ روی می داد به شکرگزاری الله تبارک و تعالی سجده می برد».



۸۳- رسول الله ﷺ دوست داشت که روز های پنج شنبه سفر

کند

رسول الله ﷺ دوست داشت که هرگاه سفر کند باید آن روز، روز پنج شنبه باشد، و حتی سفر های خود را به روز پنج شنبه به تأخیر می اندخت.

عن كعب بن مالك، أنَّ النبي ﷺ «خَرَجَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ يَوْمَ الْحَمِيسِ، وَكَانَ يُحِبُّ أَنْ يَخْرُجَ يَوْمَ الْحَمِيسِ» [متفق عليه].

وفي رواية في الصحيحين: «لَقَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ».

یعنی: «از کعب بن مالک روایت شده که: پیامبر ﷺ در غزوه ای تبوک روز پنجشنبه بیرون آمد و دوست داشت که در روز پنجشنبه بیرون شود». در روایتی دیگر در صحیحین آمده است: «خیلی کم اتفاق می افتاد که پیامبر ﷺ در غیر روزهای پنج شنبه از منزل خود خارج شود و به مسافرت برود».



۸۴- رسول الله ﷺ در قافله و کاروان؛ در آخرین آن می بود

یک رهبر خوب در جاهای خطر پیش و جلو قافله می رود تا اگر کمین باشد برای آن آسیب برسد نه برای رعیت. و یک رهبر لایق در قافله گاهی آخرین آن می باشد؛ چون اگر ناتوانی عقب باند، باید همراهی او کمک نماید، اما این رهبر فقط رسول الله ﷺ بوده می تواند که چنین مشقت ها می کند. و عن جابر قال: كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «يَتَخَلَّفُ فِي الْمَسِيرِ فَيُزْجِي الضَّعِيفَ وَيُؤَدِّفُ وَيَدْعُو لَهُ...» [رواه أبو داود بإسناد حسن].

یعنی: «از جابر روایت شده که: رسول الله ﷺ در راه خود را به آخر می کشید و به این ترتیب ناتوان و درمانده را رانده و دیگری را پشت سرش سوار نموده و برایش دعا می نمود».



۸۵- رسول الله ﷺ هرگاه از خواب بیدار می شد؛ درقدم نخست مسواک می کرد

امروز دکتران قائل شده اند که در مسواک (۷۰) فائده است، و سبب این فوائد کسی نیست جز محمد ﷺ، کسیکه امت خود را ترغیب به مسواک زدن نمود.

وَعَنْ حُذَيْفَةَ ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِذَا قَامَ مِنَ النَّوْمِ يَشُورُ فَاَهُ بِالسَّوَاكِ» [متفقٌ عليه].

یعنی: «از حدیفه روایت است که گفت: چون رسول الله ﷺ از خواب بیدار می شد، دهانش را مسواک می نمود».



۸۶- هرگاه رسول الله ﷺ در شب در سفر می‌بود، و در شب

فرود می‌آمد، به پهلوی راستش می‌خوابید

«وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ، فَعَرَّسَ بِلَيْلٍ اضْطَجَعَ عَلَى يَمِينِهِ، وَإِذَا عَرَّسَ فُبَيْلِ الصُّبْحِ نَصَبَ ذِرَاعَهُ وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى كَفِّهِ» [رواه مسلم].

یعنی: «از ابو قتاده روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ در شب در سفر می‌بود، و در شب فرود می‌آمد، به پهلوی راستش می‌خوابید و چون کمی قبل از صبح می‌خوابید، دستش را بلند نموده و سرش را در کف دستش می‌گذاشت (تا خوابشان نبرد)».



۸۷- رسول الله ﷺ بهترین معلم بود

پیامبر ﷺ معلم تمام بشریت است و از وی کرده معلم نیک در روی زمین، پیدا نخواهد شد طوریکه معاویه بن الحکم در مورد پیامبر ﷺ گفت: «مَا رَأَيْتُ مُعَلِّمًا قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ أَحْسَنَ تَعْلِيمًا مِنْهُ، فَوَاللَّهِ مَا كَهْرَبِي وَلَا ضَرْبِي وَلَا شَتَمِي» [صحیح مسلم].

یعنی: «هیچ معلمي را پیش از او و بعد از وي ندیدم که نیکوتر از وي تعلیم دهد! قسم الله که نه مرا سرزنش نمود و نه زد و نه دشنام داد».



۸۸- رسول الله ﷺ در همه اوقات ذکر می نمود

رسول الله ﷺ در همه اوقات -جنابت و غیرجنابت- یاد الله سبحانه و تعالی را می نمود.

عائشه رضی الله عنه میفرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ» [مسلم (۳۷۳)].

یعنی: «از عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در همه اوقات ذکر الله را می نمود».



۸۹- رسول الله ﷺ دارای بهترین اخلاق بود

یگانه گسترش دعوت رسول الله ﷺ همانا اخلاق ولایی او بوده است، در جنگ های او با کفار فقط دو نیم هزار کفار کشته شده و بقیه عموم امت به سبب اخلاق حسنه او ایمان آورند.

رسول الله ﷺ میفرماید: «خياركم أحاسنكم أخلاقا». [صحیح البخاری: ۶۰۳۵].

یعنی: «بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست».

انس می گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا» [متفقٌ علیه].

یعنی: «رسول الله ﷺ بهترین مردم از لحاظ اخلاق بود و زیباترین اخلاق را داشت».

و نیز رسول الله ﷺ میفرماید: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَأَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» [صحیح الجامع: ۹۷].

یعنی: «هر جا که هستی از نافرمانی الله بپرهیز، بعد از ارتکاب خطا و بدی، نیکی انجام بده، زیرا نیکی آثار بدی را می زداید و با اخلاق خوب با مردم رفتار کن».

و نیز رسول الله ﷺ میفرماید: «ضمانت میدهم به خانه ای در بلند ترین درجات درجنت به کسی که نیک بسازد اخلاق خود را» [رواه الترمذی].



۹۰- رسول الله ﷺ میان سیاه و سفید؛ عربی و عجمی؛ بینا و نابینا، تفاوت قائل نبود

رسول الله ﷺ قوم پرست و زبان پرست نبود، همان بلال سیاهی که تنها دندان هایش سفید بود، رسول الله ﷺ ازین تمام صحابه خوش چهره و سفید او را انتخاب کرد تا اذان دهد و مؤذن شخصی رسول الله ﷺ قرار گیرد. رسول الله ﷺ کسی بود که از میان هزاران صحابه سلمان فارسی را برگزید و گفت: سلمان از ما است، و کسی بود (ﷺ) که از میان صدها بینا، شخص نابینا (ابن أم مکتوم) را برای امام جماعت انتخاب نمود.

رسول الله ﷺ میفرماید: «لا فرق بین العربی والعجمی الا بالتقوی» و در روایتی آمده است: «یاأیها الناس! إن ربکم واحد وإن أباکم واحد، ألا لا فضل لعربی علی عجمی ولا عجمی علی عربی ولا أحمربی علی أسود و لا أسود علی أحمربی إلا بالتقوی» [الصحيحۃ ۲۷۰۰].

یعنی: «تفاوت بین عربی و عجمی نیست مگر در تقوی». و در روایتی آمده است که: «ای مردم! پروردگار تان یکی است و پدران یکی، بدانید که عربی بالای عجمی و عجمی بالای عربی برتری ندارد، و نه سرخ بالای سیاه و نه سیاه بالای سرخ برتری دارد (مگر به تقوی)».

انس رضي الله عنه می فرماید: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ: «اسْتَخْلَفَ ابْنَ أُمَّ مَكْتُومٍ يَوْمَ النَّاسِ وَهُوَ أَعْمَى» [رواه أبى داود].

یعنی: «نبی ﷺ عبدالله ابن ام مکتوم را جانشین گرفت که به مردم نماز دهد و وی نابینا بود».



۹۱- رسول الله ﷺ بعد از طعام خوردن؛ انگشتان دست خود را می مکید(می لیسید)

این طریقه و سنت نبی علیه السلام می باشد که بعد از صرف طعام دست های خود را می لیسید وحتی گفته است اگر کسی آنرا نمی لیسد باید به یک طفل بلیساند چون برکت طعام ممکن در دستان باشد.

وعن أنسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَكَلَ طَعَامًا لَعِقَ أَصَابِعَهُ الثَّلَاثَ قَالَ: وَقَالَ: «إِذَا سَقَطَتْ لُقْمَةٌ أَحَدِكُمْ، فَلْيُمِطْ عَنْهَا الْأَذَى، وَلْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدَعُهَا لِلشَّيْطَانِ» وَأَمَرَ أَنْ تُسَلَّتِ الْقِضْعَةُ قَالَ: «فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ فِي أَيِّ طَعَامِكُمْ الْبِرْكَهُ» [رواه مسلم].

یعنی: «از انس روایت است که: چون رسول الله ﷺ نان می خوردند، سه انگشت خود را مکیده و می فرموده: هرگاه لقمهء یکی از شما افتاد، باید که

خاشاک را از آن دور ساخته و بخورد و برای شیطان نگذارد. و امر نمود که کاسه صاف شود. فرمود: چون شما نمی دانید که در کدام قسمت طعام شما برکت است».



۹۲- رسول الله ﷺ در نماز های شب بالای خود زیاد فشار می آورد

با وصفی که رسول الله ﷺ را الله هرگز تنها نگذاشته است اما او بخاطر شکر گزاری از رب العالمین تمامی شب های سال را قیام اللیل می کرد.

عَنْ الْمُغْبِرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَيَقُومُ لِيُصَلِّيَ حَتَّى تَرِمَ قَدَمَاهُ، أَوْ سَاقَاهُ. فَيُقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» [صحيح البخاری: ۱۱۳۰].

یعنی: «رسول الله ﷺ شبها بقدری به نماز می ایستاد که پاها و ساقهای مبارکش، ورم می کردند. به آن حضرت می گفتند: چرا خودت را این همه به زحمت می اندازی؟

(در حالی که الله گناهان اول و آخرت را بخشیده است)
در جواب می فرمودند: «آیا بنده ای شکر گزار نباشم».

۹۳- رسول الله ﷺ بر اطفال سلام می داد

سلام دادن سنت رسول الله ﷺ است چه بر بزرگان باشد یا کودکان. اما امروزه هیچ رهبری وحتى هیچ صاحب یک منسب، برای اطفال سلام نمی دهند، و سلام دادن را ننگ و عار می دانند. اما رهبر دلسوز و متواضع، بر سلام دادن اطفال افتخار می کند و آن را به بعد از خود، طریقه می گذارد. سلام دادن بر کودکان سبب تعلیم بر آنها میشود و سبب منافی کبر و حسد است.

وعن انس بن مالک: «ان رسول الله ﷺ مر علی غلمان فسلم علیهم»
[صحیح مسلم]

یعنی: «انس می گوید، رسول الله ﷺ بر اطفالی مرور کرد و بر آنها سلام داد».



۹۴- رسول الله ﷺ گاهی برای دوستان خود میگفت: «بخاطر الله دوستِ تان دارم»

دوست داشتن مؤمن از ایمان است، و خطاب کردن به اینکه: «ای فلان دوستت دارم بخاطر الله!». پس گفتن چنین چیزی، دوستی بین طرفین را بیشتر

می سازد، از همین رو رسول الله ﷺ جهت مستحکم ساختن ارتباط بین یارانش به آنان می گفت: «شما را بخاطر الله دوست دارم».

عن معاذ بن جبل قال: «أخذ بيدي النبي ﷺ فقال: "يا معاذ! قلت: لبيك. قال: "إني أحبك". قلت: وأنا والله أحبك!».

یعنی: «از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر ﷺ دست من را گرفته و فرمودند: ای معاذ!

گفتم: بفرمایید در خدمتم!

فرمودند: من تو را دوست دارم!

گفتم: به الله سوگند که من نیز شما را دوست دارم!».

قولي أحبك كي تزيد وسامتي ... فبغير حبك لا أكون جميلاً

(بگو دوستت دارم تا زیبایی هام افزون شود که بدون محبت تو من زیبا نیستم).

قولي أحبك كي تصير أصابعي ... ذهباً و تصبح جهتي قنديلاً

(بگو دوستت دارم تا انگشتانم به همانند طلا ارزشمند و چهره ام همچون قندیل درخشان شود).

قولي أحبك كي يتم تحوُّلي ... فأصير قمحاً أو أصير نخيلاً

(بگو دوست دارم تا من تغییر پیدا کنم و به گندم یا نخل تبدیل شوم).

الآن قولیها و لا تترددی ... بعض الهوی لا یقبل التأجیلا

(همین الآن آن را بگو و تردید مکن زیرا برخی عشقها قابل تأخیر نیستند).



۹۵- رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح نمی خوابید، بلکه با اصحابش در مسجد تا طلوع آفتاب سخن می گفت:

تفاوت ما با عادت رسول الله ﷺ اینست که او خواب نمودن بعد از صبح را بد می دانست و هرگز از او ثابت نشده است که بعد از نماز صبح بخوابد. اما او اذکار می کرد و یا اصحاب از او سوال می کردند و وی جواب می داد و یا خواب های آنان را تعبیر می نمود، ولیکن ما، بر عکس آن کار می کنیم. عن سماک بن حرب رضی الله عنه «قلت لجابر بن سمرة اکنت تجالس رسول الله ﷺ؟ قال: نعم، كثيراً، کان لا یقوم من مصلاه الذی یصلی فیهِ الصبح - أو الغداة - حتی تطلع الشمس، فإذا طلعت الشمس قام؛ وکانوا یتحدثون، فیاخذون فی أمر الجاهلیة، فیضحکون ویتبسم» [صحیح مسلم ۴۶۳/۱ رقم ۶۷۰].

یعنی: «به جابر بن سمره گفتم آیا تو همراه رسول الله ﷺ می نشستی؟ گفت: آری، خیلی زیاد، ایشان بعد از نماز صبح از جایش برمی خواست تا آنکه خورشید طلوع می کرد، هرگاه خورشید طلوع می کرد بلند می شد. و آنها (پیامبر ﷺ اصحابش) در آن وقت با هم سخن می گفتند و درباره دوران جاهلیت نیز می گفتند و گاهی لبخند و تبسم نیز می زدند».



۹۶- هرگز رسول الله ﷺ اصحابش را نمی گذاشت تا بر مردم سختگیری کنند

اصحابش را تعلیم می داد که این دین، نسبت به سائر ادیان دین آسان است و نباید بالای مردم سختگیری گردد.

هنگامی که معاذ رضی الله عنه در میان قومش نماز را طولانی کرد، رسول الله ﷺ چنان خشمگین شد که در هیچ یکی از سخنرانی هایش به این اندازه خشمگین نشده بود. و به معاذ رضی الله عنه گفت: «يَا مُعَاذُ أَفْتَانَ أَنْتَ» [بخاری (۷۰۱، ۷۰۵، ۶۱۰۶)، و مسلم (۴۶۵)].

یعنی: «ای معاذ مگر فتنه گر هستی».

و عن أنس عن النبي ﷺ قال: «يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا، وَبَسِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا» [صحیح بخاری].

یعنی: «از انس روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: آسان بگیرید و سختگیری نکنید، مژده دهید و بیزاری نکنید».

۹۷- هرگز رسول الله ﷺ در سخنان کسی نمی پزید:

رسول الله ﷺ برای اصحابش و بقیه افراد آزادی بیان می داد، طوریکه اگر کسی چیزی می گفت، آن را می شنید و بعداً جواب آنرا می داد. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و با لحنی تند طلب خود را از آن بزرگوار خواست. صحابه خواستند او را تنبیه کنند؛ ولی رسول الله ﷺ فرمود: «دَعُوهُ، فَإِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا». یعنی: «کاری با او نداشته باشید؛ زیرا آنکه حقی دارد، حق سخن گفتن و مطالبه ی حقش را دارد». و سپس فرمود: «أَعْطُوهُ سِنًّا مِثْلَ سِنِّهِ» «شتری مانند شتر خودش به او بدهید». گفتند: ای رسول الله، شتری جز بهتر و بزرگ تر از شتر او نمی یابیم. فرمود: «أَعْطُوهُ، فَإِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً»: «همان را به او بدهید؛ زیرا بهترین شما کسی است که بدهی خود را به بهترین شکل ادا کند» [متفق علیه].

بعضی از صفات و عادات نبی ﷺ که امام نووی بیان نموده است

رسول الله ﷺ زیاد ذکر میکرد، و همیشه فکر می نمود، زیاد خنده اش تبسم بود، و گاهی خنده که می کرد کله دندان هایش معلوم میگردد، و رسول الله ﷺ خوشبویی را دوست داشت، و بد بوی بدش می آمد، و نیز مزاح میکرد و در مزاح اش دروغ نمی گفت (مزاحی می کرد که آن حق می بود مثلا: ای صاحب دو گوش و بینی). و قبول می کرد کسی یکه نزدش عذر می نمود چنانکه الله ﷻ وی را چنین صفت میکند: ﴿یقینا پیامبری از (میان) خودتان به سوی تان آمد، که رنج های شما بر او دشوار (و گران) است، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد و (نسبت (به مؤمنان) رؤف (و) مهربان است﴾ (سوره توبه: ۱۲۸).

و رسول الله ﷺ امر می کرد مردم را به نرمی و اخلاق و گذشت، و تشویق میکرد مردم را به صلح و عفو، و منع می کرد مردم را از درشت خوئی و شدت، و تشویق می کرد به عفو و صلح و خوش اخلاقی. دوست داشت رسول الله ﷺ که هرکار را از طرف راست انجام دهد، خصوصا در طهارت، و نیز در شانه کردن، و بوت پوشیدن، و بالاخره درهمه کار،

و بود دست چپ اش صرف برای تشناب و رفع حاجت و نیز از دست چپ خود برای پاک نمودن نجاست ها استفاده می کرد، و قتیکه خواب میکرد به پهلوی خواب راست میکرد طرف قبله.

و بود مجلس رسول الله ﷺ مجلس حلم (برده باری)، حیا، امانت، صبر و آرامش. و در مجلس رسول الله ﷺ صداها بلند نمی شد، و در مجلس خویش قصه‌ی زنان را نمی کردند، ایشان چالاکی می کردند به تقوی، بین هم تواضع می کردند، و به بزرگان خود عزت و اکرام می کردند، و به کوچک های خود رحم می کردند، و کمک می کردند به کسانی که محتاج بودند، و حفظ و مراقبت می کردند غریبان را، و قتیکه دلیل می گفتند؛ دلیل خیر می گفتند. و بود رسول الله الفت می کرد با صحابه کرام، و اکرام می کرد بزرگان هر قوم را، و کارهای صحابه را سرپرستی می نمود، (اگر روزی یاران خود را نمی دید) طلب و جستجو میکرد آنها را، و نبود رسول الله ﷺ فحش گوی. و جزائی بدی را به بدی نمی داد، بلکه عفو و گذشت می کرد، و لت کوب نمی کرد خادمش را یا یکی از همسرانش را و نه فرد دیگری را هیچ زمان. او بود که جهاد در راه الله ﷻ می نمود، و اگر دو امر و کار می بود! آسان تر آنرا انتخاب میکرد در صورتی که انجام آن گناه نمی بود.

۹۸- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

طوری راه می رفت که معلوم بود عاجز و سست نیست [حدیث صحیح].

۹۹- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

زمانی که راه میرفت به این طرف و آن طرف نگاه نمی کرد [حدیث صحیح].

۱۰۰- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

اخلاق و رفتار و کردار ایشان نسخه عملی قرآن بود [حدیث مسلم].

۱۰۱- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

از انصار دیدار می کرد و به کودکان شان سلام میکرد و بر سرشان دست می کشید که بیانگر تعامل اجتماعی و عنایت فراوان نسبت به کودکان است.

۱۰۲- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

بسان کسی بخشش می کرد که از فقیر شدن نمی ترسد [صحیح مسلم].

۱۰۳- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

دنیا و نامالایمات هرگز او را به خشم نمی آورد.

۱۰۴- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

حقی که پایمال می شد از شدت خشم کسی او را نمی شناخت تا اینکه حق را یاری کند.

۱۰۵- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هنگام اشاره به تمام دست اشاره می فرمود. گاهی اوقات برای معلوم شدن یک مسئله، روی زمین خط می کشید تا صحابه به عمق آن پی ببرند.

۱۰۶- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

وقتی خوشحال می شد چشم ها را به هم می نهاد.

۱۰۷- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می کرد.

۱۰۸- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

با مردم انس می گرفت و آنان را از خود دور نمی کرد.

۱۰۹- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در همه امور اعتدال داشته و افراط و تفریط نمی کرد.

۱۱۰- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

بافضیلت ترین فرد نزد پیامبر خیرخواه ترین آنان برای مردم بود.

۱۱۱- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

پیامبر در هیچ محفل و انجمنی نمی نشست و بر نمی خاست جز آنکه به یاد الله باشد.

۱۱۲- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در مجالس جایگاه خاص برای خود بر نمی گزید.

۱۱۳- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هنگامی که بر جمعی وارد می شد هر جایی خالی بود می نشست و به یاران خویش دستور می داد این گونه عمل کنند.

۱۱۴- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

رفتار پیامبر آنقدر نرم بود که مردم او را همچون پدری دلسوز و مهربان می دانستند و حق همه مردم نزد آن بزرگوار یکسان بود

۱۱۵- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

مجلسش مجلس بردباری، حیا، صدق و امانت بود.

۱۱۶- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

عیب جو نبود و از کسی هم تعریف زیاد نمی کرد.

۱۱۷- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در پی لغزش های مردم نبود.

۱۱۸- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

سخن کسی را قطع نمی کرد مگر این که از حد متعارف تجاوز می کرد.

۱۱۹- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

به آرامی و متانت گام برمی داشت.

۱۲۰- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

لحظه ای از عمر بابرکت خویش را بیهوده نمی گذرانید.

۱۲۱- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

دیرتر از همه مردم به خشم می آمد و زودتر از همه راضی می گشت.

مصادر ومراجع:

- ١- نور العيون بسيرة الأمين المأمون: للإمام المحدث الحافظ مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن سيد الناس المتوفى في عام ٧٣٤.
- ٢- الإقناع في فقه الإمام أحمد (١/ ١٦٢-١٦٧).
- ٣- العجالة السنبة على ألفية السيرة النبوية.
- ٤- المصباح المنير في اللغة للشيخ أحمد بن مُحَمَّد المقرئ الفيومي المتوفى عام ٧٧٠.
- ٥- تفسير ابن كثير.
- ٦- تبين العجب بما ورد في فضل رجب لابن حجر العسقلاني.
- ٧- التحذير من البدع للشيخ عبد العزيز بن عبد الله بن باز.
- ٨- لطائف المعارف للشيخ عبد الرحمن بن رجب.
- ٩- اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة أصحاب الجحيم لشيخ الإسلام ابن تيمية.
- ١٠- رياض الصالحين من كلام سيد المرسلين - ﷺ - للشيخ يحيى بن شرف النووي.
- ١١- جلاء الأفهام في الصلاة والسلام على خير الأنام - ﷺ - لابن القيم.
- ١٢- البيان في تصحيح الايمان لإبراهيم بن عبد الباقي.
- ١٣- بستان الواعظين لابن الجوزي.